

۱۵۸

ماهنامه فرهنگی اجتماعی
سال شانزدهم / آبان ۱۴۰۴

فرهنگ پاسداری

استکبار ستیزی

استکبار با چهره جدید

ایران و سایه سنگین استکبار

راه‌های مبارزه با استکبار: از شعار تا راهبرد

استقلال سیاسی

سفارتخانه یا ستاد فرماندهی؟

کاپیتولاسیون: تحقیر ملت در لباس قانون

کودتای ۱۲۹۹: زایش سلطنت پهلوی در سایه بریتانیا

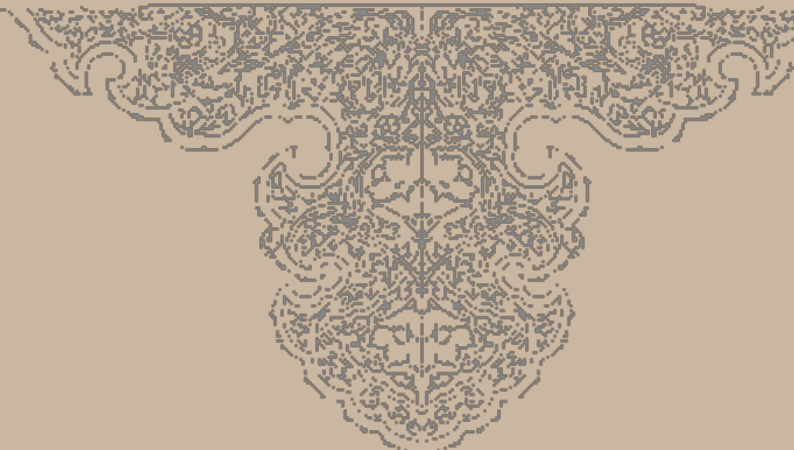


وقته الگوزنب است...

اگر الگوی زن، زینب و فاطمه‌ی زهرا علیهم‌السلام باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتها و انتخاب بهترین کارها؛ و لوبافداکاری و ایستادن پای همه چیز.

سید محمد
۷۷/۱۸/۲۲





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ پاسداری

آبان ماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب

۳	سخن آغازین
۴	۱۳ آبان؛ روزی که آمریکا در تهران به زانو درآمد
۵	تسخیر لانه جاسوسی آمریکا
۶	استکبار چیست؟ روایت قدرت، غرور و سلطه
۷	ایران و سایه سنگین استکبار
۸	شیوه‌های استکبار؛ از اشغال تا فریب
۹	راه‌های مبارزه با استکبار؛ از شعار تا راهبرد
۱۰	استکبار با چهره جدید
۱۱	تحریف حقیقت؛ سلاح خاموش استکبار در جنگ روایت‌ها
۱۲	جوان امروز، مبارز فردا
۱۳	استکبارستیزی؛ مسیر عزت، استقلال و بیداری ملت‌ها
۱۴	چهره‌های ایرانی مبارزه با استکبار
۱۵	چهره‌های بین‌المللی مبارزه با استکبار
۱۶	مناسبت‌های ماه شمسی و قمری
۱۸	وابستگی سیاسی و استقلال سیاسی
۱۹	کودتای ۱۳۹۹؛ زایش سلطنت پهلوی در سایه بریتانیا
۲۰	سلطنت با مهندسی خارجی
۲۱	کودتای ۲۸ مرداد؛ روزی که ایران به آمریکا واگذار شد
۲۲	سفارتخانه یا ستاد فرماندهی؟
۲۳	انقلاب سفید؛ اصلاحاتی برای وابستگی
۲۴	کاپیتولاسیون؛ تحقیر ملت در لباس قانون
۲۵	تأثیر افشاگری اسناد لانه جاسوسی بر جامعه ایران
۲۶	قطع ارتباط با اسرائیل؛ اعلام استقلال فراتر از مرزها
۲۷	بازسازی نهادهای سیاسی برای حفظ استقلال پس از انقلاب
۲۸	چالش‌های حفظ استقلال سیاسی پس از انقلاب
۲۹	نقش مردم در بازسازی عتبات‌عالیات
۳۰	گفت‌وگویی صمیمانه با دکتر علیرضا رجبی
۳۲	مصاحبه با سرگرد محمود هداوند میرزایی
۳۴	گفت‌وگو با مسئول راهبری فعالیت‌های فرهنگیان سپاه
۳۶	گفت‌وگو با مسئول دبیرخانه مرکزی کنگره فرهنگ و هنر سپاه
۳۸	گفت‌وگو با سرهنگ عباسعلی انصاریان
۴۰	حکومت و حکومت‌داری در نهج‌البلاغه





سخن آغازین

استکبارستیزی و استقلال سیاسی؛ دو رکن هویتی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نه صرفاً یک دگرگونی سیاسی، بلکه تحولی بنیادین در منظومه فکری و هویتی ملت ایران بود. این انقلاب، با تکیه بر آموزه‌های دینی، تجربه‌های تاریخی و خواست عمومی برای رهایی از سلطه بیگانگان، دو مفهوم کلیدی را در کانون گفت‌وگو خود قرار داد: «استکبارستیزی» و «استقلال سیاسی». این دو مؤلفه، نه تنها در شعارهای انقلابی، بلکه در ساختار نظام جمهوری اسلامی و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور، جایگاهی محوری یافتند. استکبارستیزی، در ادبیات انقلاب اسلامی، مفهومی فراتر از تقابل با یک یا چند قدرت خاص است. این مفهوم، ریشه در تجربه‌های تلخ تاریخی ملت ایران دارد؛ از قراردادهای استعماری دوران قاجار و پهلوی گرفته تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سلطه مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های خارجی بر منابع و مقدرات کشور. در این چارچوب، استکبار به عنوان نماد سلطه طلبی، تحقیر ملت‌ها و مداخله در امور داخلی کشورها شناخته می‌شود. از این رو، مقابله با آن، نه یک واکنش احساسی، بلکه راهبردی عقلانی برای حفظ عزت، کرامت و هویت ملی است.

در همین راستا، امام خمینی (ره) به عنوان رهبر نهضت اسلامی، استکبارستیزی را به عنوان یکی از ارکان هویتی انقلاب معرفی کرد. ایشان با تأکید بر «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، استقلال سیاسی را نه در وابستگی به یک بلوک جهانی در برابر بلوک دیگر، بلکه در اتکال به مردم، ایمان و ظرفیت‌های درونی کشور تعریف نمودند. این رویکرد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بر پایه اصولی چون نفی سلطه‌پذیری، حمایت از ملت‌های مظلوم و تعامل عزتمندانه با جهان استوار ساخت.

در نهایت، انقلاب اسلامی با تکیه بر این دو اصل بنیادین، الگویی نوین از حکمرانی مستقل و عزتمند ارائه داده است. حفظ و تعمیق این دستاوردها، نیازمند هوشیاری، وحدت و استمرار در مسیر آرمان‌های اصیل انقلاب است.

در این شماره مجله به دو موضوع فوق یعنی استکبارستیزی و استقلال سیاسی پرداخته‌ایم و به قدر وسع خود آنها را شرح می‌دهیم

علمی و در تربیت نسل آینده نیز باید متجلی گردد.

در این شماره مجله به دو موضوع فوق یعنی استکبارستیزی و استقلال سیاسی پرداخته‌ایم و به قدر وسع خود آنها را شرح می‌دهیم



۱۳ آبان؛ روزی که آمریکا در تهران به زانو درآمد

۱۳ آبان؛ از یک روز به یک جریان جهانی

تسخیر سفارت تنها یک اتفاق نبود، بلکه پیام روشنی برای جهانیان داشت: «ملت‌ها می‌توانند در برابر قدرت‌های بزرگ بایستند، اگر آگاه و متحد باشند» ۱۳ آبان، روزی شد که افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا در ذهن ملت‌ها فرو ریخت.

۱۳ آبان امروز؛ تجدید عهد با مقاومت

امروزه، ۱۳ آبان تنها یک روز تاریخی نیست، بلکه به روز ملی مبارزه با استکبار جهانی نام‌گذاری شده است. هر سال، دانش‌آموزان، دانشجویان و مردم، با برگزاری راهپیمایی، شعارهای ضد استکباری و قرائت بیانه‌های انقلابی، بر استمرار راه مبارزه تأکید می‌کنند.

این روز فرصتی است برای تبیین دوباره ماهیت استکبار، بازخوانی تجربه‌های تاریخی، و آموزش نسل جدید درباره حقیقت دشمنی آمریکا و نظام سلطه با ملت‌های مستقل.

مفهوم امروزی ۱۳ آبان چیست؟

در شرایط امروز که جنگ‌های مدرن بیشتر رسانه‌ای، فرهنگی و اقتصادی شده‌اند، ۱۳ آبان باید به یک جهاد فرهنگی و فکری تبدیل شود. جوان ایرانی باید بداند که لانه جاسوسی امروز، ممکن است در قالب یک پلتفرم دیجیتال، یک برنامه تبادلات علمی یا یک سرمایه‌گذار خارجی ظاهر شود.

اگر ۱۳ آبان را تنها به یک راهپیمایی تقلیل دهیم، از روح واقعی آن فاصله می‌گیریم. این روز باید نماد آگاهی، استقامت و مقاومت فعال باشد؛ نه فقط نماد فریاد بلکه روز برملا کردن چهره پنهان استکبار.

منبع: علیرضا کمری - مطالعات فرهنگی مقاومت

تسخیر سفارت تنها یک اتفاق نبود، بلکه پیام روشنی برای جهانیان داشت: «ملت‌ها می‌توانند در برابر قدرت‌های بزرگ بایستند، اگر آگاه و متحد باشند» ۱۳ آبان، روزی شد که افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا در ذهن ملت‌ها فرو ریخت.

سه رخداد، یک روز، یک پیام

۱۳ آبان در تقویم جمهوری اسلامی ایران تنها یک روز تاریخی نیست؛ بلکه نماد یک گفتمان است. در این روز، سه واقعه مهم رخ داده است که هر یک به تنهایی کافی بود تا آن را در حافظه تاریخی ملت ایران ماندگار کند:

۱. تبعید امام خمینی (۱۳۴۳)
 ۲. کشتار دانش‌آموزان توسط رژیم پهلوی (۱۳۵۷)
 ۳. تسخیر سفارت آمریکا، یا همان «لانه جاسوسی» (۱۳۵۸)
- این سه حادثه، پیامی واحد دارند: **مبارزه با سلطه، بیداری ملت، و رسوایی استکبار.**

تسخیر لانه جاسوسی؛ اقدامی دانشجویی با پیام جهانی

در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، گروهی از دانشجویان پیرو خط امام، با هدایت فکری جریان انقلابی، وارد سفارت آمریکا در تهران شدند و آن را «اشغال» کردند. اما این اشغال، نه یک اقدام کور سیاسی، بلکه حرکتی با پشتوانه تحلیل دقیق بود.

در سفارت، مدارک و اسناد فراوانی کشف شد که نشان می‌داد این مکان عملاً پایگاه جاسوسی سازمان سیا و مرکز هدایت آشوب‌های پس از انقلاب بوده است. از طرح‌های براندازی گرفته تا ارتباطات پنهانی با عناصر ضدانقلاب.

امام خمینی (ره) این اقدام را «انقلاب دوم» نامید. اقدامی که چهره واقعی آمریکا را برای جهانیان آشکار ساخت و مهر تأییدی بر گفتمان استکبارستیزی انقلاب اسلامی زد.

چرا آمریکا «شیطان بزرگ» نام گرفت؟

تا پیش از انقلاب، آمریکا در ذهن برخی، یک کشور توسعه‌یافته و مدافع دموکراسی جلوه می‌کرد. اما پس از تسخیر لانه جاسوسی، حقایق ناگفته‌ای افشا شد. اسناد منتشر شده نشان داد آمریکا نه تنها در کودتای ۲۸ مرداد نقش داشته، بلکه در پی دخالت مستقیم در امور داخلی ایران پس از انقلاب بوده است.

تعبیر «شیطان بزرگ» از سوی امام خمینی، تحلیلی بود از ماهیت فریبنده و سلطه‌جوی آمریکا؛ کشوری که با شعار آزادی، در عمل به دنبال تسلط و تجزیه ملت‌هاست.



تسخیر لانه جاسوسی آمریکا؛ انقلابی در دل انقلاب

زمینه‌های تاریخی و سیاسی

رابطه نزدیک رژیم پهلوی با ایالات متحده، به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با حمایت سازمان سیا صورت گرفت، زخمی عمیق بر حافظه جمعی ملت ایران گذاشته بود. مردم، آمریکا را به‌عنوان حامی دیکتاتوری محمدرضا شاه می‌دیدند؛ کشوری که از سرکوب، شکنجه و نقض حقوق بشر در ایران حمایت می‌کرد.

بازگشت شاه؛ جرقه خشم عمومی

در مهرماه ۱۳۵۸، ورود شاه به آمریکا به بهانه درمان، باوجود هشدارهای رهبران انقلاب، به‌ویژه امام خمینی، خشم بسیاری از ایرانیان را برانگیخت. آنان این اقدام را نشانه‌ای از ادامه حمایت آمریکا از سلطه‌گران گذشته می‌دانستند و بیم آن داشتند که سناریوی کودتای ۲۸ مرداد تکرار شود.

نقش دانشجویان و حمایت مردمی

دانشجویان پیرو خط امام که از گروه‌های انقلابی و مذهبی مختلفی تشکیل شده بودند، تصمیم گرفتند با تسخیر سفارت، پیام صریحی به آمریکا و سایر قدرت‌های جهانی بدهند. آنان معتقد بودند که سفارت ایالات متحده مرکز هدایت جریانات ضدانقلابی و جاسوسی در ایران است.

پشتیبانی امام و ملت

با صدور پیام حمایت‌آمیز امام خمینی از اقدام دانشجویان، تسخیر سفارت مشروعیت یافت و به‌سرعت حمایت اقشار مختلف مردم، از بازاریان و روحانیون تا کارگران و دانش‌آموزان را جلب کرد. رسانه‌ها نیز به انعکاس گسترده این اقدام پرداختند و آن را به‌عنوان «انقلاب دوم» معرفی کردند.

سندهای کشف‌شده و افشای عملکرد سفارت

پس از تسخیر سفارت، حجم قابل توجهی از اسناد محرمانه بازیابی و منتشر شد که در آن‌ها به‌وضوح شواهدی از دخالت‌های اطلاعاتی و سیاسی ایالات متحده در امور داخلی ایران دیده می‌شد. این اسناد باعث تقویت گفتمان ضدآمریکایی در فضای عمومی شد و نگرانی‌ها نسبت به فعالیت‌های مخفی سفارت را مشروع جلوه داد.

پیامدهای داخلی و بین‌المللی

قطع روابط و آغاز دشمنی علنی

تسخیر لانه جاسوسی منجر به قطع کامل روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا شد و تنش‌های طولانی‌مدتی را به دنبال داشت. دولت وقت آمریکا در واکنش، تحریم‌های اقتصادی

علیه ایران اعمال کرد و تلاش‌های ناکام نظامی همچون عملیات «پنجه عقاب» را در دستور کار قرار داد.

تثبیت گفتمان انقلابی

از منظر داخلی، این اقدام موجب تثبیت گفتمان انقلابی برپایه استقلال‌طلبی، مبارزه با استکبار و حفظ آرمان‌های انقلاب شد. همچنین زمینه‌ساز حذف نیروهای لیبرال و میانه‌رو از ساختار قدرت گردید و راه را برای شکل‌گیری ساختار ایدئولوژیک جمهوری اسلامی هموار کرد.

نتیجه‌گیری: نماد ماندگار یک تقابل

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان نه یک اقدام صرف دانشجویی، بلکه تجلی خشم فروخته یک ملت بود؛ خشم از سال‌ها سلطه، تحقیر و دخالت. این واقعه امروز نیز به‌عنوان نماد ایستادگی در برابر سلطه خارجی در تاریخ انقلاب اسلامی باقی‌مانده و هر سال با عنوان «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی» گرامی داشته می‌شود.

منبع: حسین شریعتمداری - مقاله «لانه جاسوسی، انقلاب دوم»

از منظر داخلی، این اقدام موجب تثبیت گفتمان انقلابی برپایه استقلال‌طلبی، مبارزه با استکبار و حفظ آرمان‌های انقلاب شد. همچنین زمینه‌ساز حذف نیروهای لیبرال و میانه‌رو از ساختار قدرت گردید



استکبار چیست؟ روایت قدرت، غرور و سلطه

استکبار؛ واژه‌های کهن با چهره‌های نو

«استکبار» واژه‌ای است که در ادبیات سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی، بیش از پیش بر سر زبان‌ها افتاد. واژه‌ای قرآنی که در لغت از «کبر» می‌آید؛ یعنی خودبزرگ‌بینی. اما در کاربرد سیاسی و اجتماعی، استکبار فراتر از یک صفت فردی است. استکبار یعنی نظام سلطه، یعنی ساختاری که خود را برتر از دیگران می‌داند و می‌کوشد اراده خود را بر دیگر ملت‌ها تحمیل کند.

در قرآن کریم، مستکبران کسانی‌اند که از پذیرش حق سرباز می‌زنند و دیگران را به استضعاف می‌کشانند. فرعون، نمونه بارز یک مستکبر در تاریخ دینی است؛ کسی که خود را «ارباب» مردم دانست و با تمام ابزارها کوشید صدای حقیقت را خاموش کند.

استکبار در دنیای مدرن

اگر بخواهیم استکبار را در عصر کنونی معنا کنیم، باید آن را در رفتار دولت‌هایی جست‌وجو کرد که با تکیه بر قدرت نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای و سیاسی، اراده خود را به دیگر کشورها تحمیل می‌کنند. آمریکا، به عنوان نماد استکبار جهانی، همواره با مداخله در امور داخلی کشورها، اعمال تحریم‌های ظالمانه، راه‌اندازی جنگ‌های نیابتی، و هدایت جریان‌های رسانه‌ای به دنبال حفظ هژمونی جهانی خود بوده است.

استکبار در دنیای امروز با چهره‌هایی تازه ظاهر می‌شود: گاهی در لباس صلح‌بان، گاهی در نقاب مدافع حقوق بشر، و گاه در پوشش نهادهای بین‌المللی. اما در بطن این ظاهر فریبنده، همان خوی استکباری کهن جریان دارد: سلطه‌گری، تبعیض، و تحقیر ملت‌ها.

استکبارستیزی؛ مقاومت علیه نظام سلطه

در برابر این ساختار، مفهوم «استکبارستیزی» شکل می‌گیرد. استکبارستیزی به معنای ایستادگی در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های جهانی است. این ایستادگی، صرفاً نظامی یا سیاسی نیست؛ فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی و حتی روانی است. هر فرد و هر ملتی که در برابر تحقیر، تحمیل و تسلط ایستادگی می‌کند، گامی در مسیر استکبارستیزی برداشته است.

از نگاه امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، استکبارستیزی نه یک تاکتیک سیاسی، بلکه راهی برای حفظ کرامت انسانی است.

ایشان آمریکا را «شیطان بزرگ» خواندند، نه از سر تعصب، بلکه بر پایه ده‌ها سال مداخله، کودتا، خیانت و جنایت علیه ملت‌های مظلوم، به ویژه مردم ایران.

چرا استکبارستیزی مهم است؟

در دنیای نابرابر امروز، استکبارستیزی راهی است برای بازیابی عزت ملت‌ها. مستضعفان جهان، با شناخت نظام سلطه و اتحاد در برابر آن، می‌توانند معادلات جهانی را تغییر دهند. تاریخ نشان داده است که ایستادگی، اگرچه سخت و پرهزینه است، اما نتیجه‌بخش خواهد بود.

جنبش‌های ضد استعماری در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، نمونه‌هایی از استکبارستیزی مدرن‌اند. ملت‌هایی که در برابر اشغال، تحریم، تحقیر یا تحمیل فرهنگی ایستادند و مسیر استقلال را انتخاب کردند، شاید هنوز به آزادی کامل نرسیده باشند، اما دیگر «مستعمره» نیستند.

از شعار تا شعور

استکبارستیزی نباید به شعار بی‌محتوا تبدیل شود. این مفهوم نیازمند آگاهی، تحلیل و اقدام است. جوان امروزی باید بفهمد که استکبار صرفاً یک کشور نیست؛ یک طرز فکر است، یک سبک از حکمرانی جهانی. مقابله با آن، یعنی پرورش انسان‌های آگاه، مستقل، شجاع و مسئول.

امروز، استکبار در فضای مجازی، اقتصاد جهانی، رسانه‌ها و حتی سبک زندگی نفوذ دارد. پس استکبارستیزی، صرفاً با شعار دادن ممکن نیست؛ باید به‌سوی «جهاد تبیین» رفت. یعنی روایت درست واقعیت‌ها، شناخت دشمن، و هوشیاری در برابر فریب‌های نرم.

منبع: کتاب «استعمار فزانو» - احمد رضا نوری

از نگاه امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، استکبارستیزی نه یک تاکتیک سیاسی، بلکه راهی برای حفظ کرامت انسانی است. ایشان آمریکا را «شیطان بزرگ» خواندند، نه از سر تعصب، بلکه بر پایه ده‌ها سال مداخله، کودتا، خیانت و جنایت علیه ملت‌های مظلوم، به ویژه مردم ایران.



ایران و سایه سنگین استکبار؛ روایتی از دخالت تا مقاومت

چهره واقعی «شیطان بزرگ» را از پشت پرده لبخندهای دیپلماتیک دیدند.

آمریکا؛ وارث تاج و تخت استکبار در ایران

با ضعف تدریجی امپراتوری بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا جای آن را در ایران پر کرد. حمایت‌های بی‌چون و چرا از حکومت پهلوی، ایجاد ساواک با کمک موساد و سیا، دخالت در سیاست‌های اقتصادی و نظامی کشور، و تبدیل ایران به یک پایگاه منطقه‌ای علیه شوروی، بخشی از برنامه‌ریزی گسترده آمریکا در دوران جنگ سرد بود.

سفارت آمریکا در تهران که بعدها به «لانه جاسوسی» مشهور شد، عملاً مرکز فرماندهی این برنامه‌ها بود. اسناد کشف‌شده پس از تسخیر این سفارت در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ نشان داد که چگونه دستگاه دیپلماسی آمریکا در پوشش سفارت، عملیات گسترده جاسوسی و مهندسی سیاسی را در ایران اجرا می‌کرد.

مقاومت از دل تاریخ برخواست

با تمام این تلخی‌ها، ملت ایران همواره در برابر استکبار مقاومت کرده است؛ چه در قالب جنبش مشروطه، نهضت ملی شدن نفت، قیام ۱۵ خرداد، و نهایتاً انقلاب اسلامی ۱۳۵۷. این انقلاب، پایان رسمی دخالت‌های آشکار آمریکا و غرب در ایران بود، هرچند تلاش‌ها برای نفوذ پنهان همچنان ادامه یافت.

امام خمینی (ره) به‌درستی فرمودند: «آنچه ما را عقب نگه داشت، دخالت اجانب بود». انقلاب اسلامی، تنها یک جابه‌جایی قدرت نبود؛ نقطه عطفی در تاریخ مبارزه با استکبار جهانی بود که الگوی جدیدی از ایستادگی را به منطقه و جهان معرفی کرد.

منبع: حسین شریعتمداری - مقاله «لانه جاسوسی»، انقلاب دوم

حمایت‌های بی‌چون و چرا از حکومت پهلوی، ایجاد ساواک با کمک موساد و سیا، دخالت در سیاست‌های اقتصادی و نظامی کشور، و تبدیل ایران به یک پایگاه منطقه‌ای علیه شوروی، بخشی از برنامه‌ریزی گسترده آمریکا در دوران جنگ سرد بود.

از طمع استعمارگران تا تجربه‌های تلخ مداخله

سرزمین ایران، با تاریخ چند هزار ساله و موقعیت ژئوپلیتیکی بی‌نظیرش، همواره مورد طمع قدرت‌های سلطه‌گر جهان بوده است. از آغاز قرن نوزدهم تاکنون، ردپای استکبار جهانی در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران دیده می‌شود. گاهی با اشغال نظامی، گاهی با قراردادهای ناعادلانه، و گاهی با تربیت حاکمان وابسته.

اگر بخواهیم سابقه استکبار در ایران را مرور کنیم، باید از دوران قاجار آغاز کنیم؛ دورانی که ضعف دربار، طمع قدرت‌های خارجی، و ناآگاهی مردم، زمینه‌ساز نفوذ تدریجی استعمار شد.

قراردادهایی که عزت را فروختند

در سال ۱۸۱۳ میلادی، با **عهدنامه گلستان** و سپس در ۱۸۲۸ با **عهدنامه ترکمانچای**، بخش‌هایی از ایران در قفقاز به روسیه تزاری واگذار شد. این، آغاز روندی بود که طی آن قدرت‌های بزرگ زمان، از روسیه و انگلستان گرفته تا بعدها آمریکا، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی ایران دخالت کردند.

قرارداد ۱۹۱۹ **وثوق‌الدوله** با انگلستان، نماد دیگری از این سلطه بود. قراردادی که ایران را عملاً تحت قیمومیت بریتانیا قرار می‌داد؛ گرچه با مقاومت مردم و روحانیون مواجه و در نهایت باطل شد.

کودتاها؛ نسخه مدرن‌تر مداخله

با ورود به قرن بیستم، شیوه‌های سلطه تغییر یافت. دیگر نیازی به اشغال نظامی نبود؛ استکبار با پول، لابی، جاسوس، و تبلیغات رسانه‌ای کار خود را پیش می‌برد. **کودتای ۱۲۹۹** با حمایت انگلستان و روی کار آمدن رضاخان، یک نمونه روشن از این نفوذ بود. رضاخان با کمک نظامی و سیاسی انگلیس، قدرت را به دست گرفت و در نهایت سلطنت پهلوی را بنیان نهاد.

اما شاید تلخ‌ترین تجربه استکباری، **کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲** باشد؛ جایی که دولت مردمی **دکتر محمد مصدق** که نفت ایران را ملی کرده بود، با همکاری مشترک سرویس‌های جاسوسی آمریکا (سیا) و انگلیس (ام‌آی ۶) سرنگون شد. این کودتا، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران بود؛ جایی که مردم برای اولین بار،



شیوه‌های استکبار؛ از اشغال تا فریب

استکبار چگونه عمل می‌کند؟

برای شناخت دشمن، باید شیوه‌هایش را شناخت. استکبار، تنها با توپ و تانک نمی‌آید؛ گاهی در لباس سرمایه‌گذار، گاهی در نقاب دموکراسی‌خواه، گاهی با لبخند دیپلماتیک. قدرت‌های سلطه‌گر طی قرون اخیر روش‌های خود را متناسب با زمان تغییر داده‌اند، اما هدفشان همواره یک چیز بوده: **تحمیل اراده بر دیگران.**

در بررسی تاریخ، می‌توان شیوه‌های استکبار را در دودسته کلی قرارداد: شیوه‌های سنتی (گذشته) و شیوه‌های مدرن (امروز). هر کدام با ابزارها و سازوکار خاص خود، در خدمت یک هدف مشترک بوده‌اند: تسلط.

۱. استکبار در گذشته؛ سلطه بازور، طلا، قرارداد

در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی، شیوه مرسوم قدرت‌های استعماری مانند بریتانیا، فرانسه، پرتغال و بعدها روسیه و آمریکا، **اشغال نظامی** و استعمار سرزمینی بود. آنها مستقیماً خاک کشورها را تصرف می‌کردند، منابعشان را غارت می‌بردند و حاکمان دست‌نشانده می‌گماشتند.

در ایران، بریتانیا و روسیه از طریق **قراردادهای ناعادلانه** و امتیازهای استعماری، منابع مالی، معدنی و راهبردی کشور را در دست گرفتند. نمونه‌هایی چون امتیاز تنباکو، امتیاز روترز، و قرارداد داری، بخشی از این پازل سلطه بود. در این شیوه‌ها، مردم نادیده گرفته می‌شدند و دولت‌ها به راحتی خریداری می‌شدند.

کودتا نیز یکی از ابزارهای رایج در قرن بیستم شد. نمونه شاخص آن، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت دکتر مصدق بود؛ پروژه‌ای مشترک از سیا و MI6 برای بازگرداندن سلطه نفتی و سیاسی به غرب. در این مدل، رسانه‌های دست‌نشانده، ارتش وابسته و دلارهای نفتی نقش کلیدی داشتند.

۲. استکبار امروز؛ استعمار نرم و پیچیده

در دنیای امروز، با رشد آگاهی ملت‌ها و شکل‌گیری جنبش‌های ضد استعماری، اشغال مستقیم دیگر کارایی ندارد. استکبار، خود را به‌روز کرده و ابزارهای سلطه‌اش را نرم‌تر، پیچیده‌تر و نامرئی‌تر کرده است.

الف) تحریم؛ جنگ بی سرباز

تحریم اقتصادی، یکی از رایج‌ترین ابزارهای مدرن سلطه است. در ظاهر، هدف آن فشار بر دولت‌هاست، اما در واقع ملت‌ها را نشانه می‌گیرد. قطع دارو، مسدودسازی حساب‌ها، فشار بر تجارت خارجی، نمونه‌هایی از این جنگ خنده‌اند. آمریکا و متحدانش در دهه‌های اخیر از این ابزار علیه ایران،

ونزوئلا، سوریه، روسیه و کره شمالی استفاده کرده‌اند.

ب) رسانه؛ سلاح روایت‌ها

رسانه‌ها در عصر جدید به خط مقدم جبهه استکبار تبدیل شده‌اند. با دروغ‌های هنرمندانه، سانسور هدفمند، وارونه‌نمایی واقعیت‌ها و قهرمان‌سازی از مزدوران، ذهن‌ها را تسخیر می‌کنند. **هالیوود، شبکه‌های ماهواره‌ای، و شبکه‌های اجتماعی وابسته**، ابزارهای جنگ شناختی هستند. در این نبرد، حقیقت مهم نیست؛ روایت مهم است.

ج) نفوذ فرهنگی و آموزشی

یکی از راه‌های استکبار، **تغییر سبک زندگی جوامع مستقل است**. از طریق برنامه‌های آموزشی، کالاهای فرهنگی، شبکه‌های سرگرمی و مدل‌سازی نخبگان وابسته، تلاش می‌شود باورها و ارزش‌های بومی تخریب شود و فرهنگ سلطه‌پذیری جای آن را بگیرد. ترویج مصرف‌گرایی، فردگرایی افراطی، ناسیونالیسم منفی و بی‌تفاوتی اجتماعی، بخشی از این پروژه است.

د) جنگ نیابتی

در قرن ۲۱، استفاده از گروه‌های تروریستی، شورشی یا جدایی‌طلب، یکی دیگر از ابزارهای استکباری شده است. به جای لشکر کشی مستقیم، گروه‌هایی چون داعش، القاعده یا مزدوران رسانه‌ای برای برهم زدن ثبات کشورها فعال می‌شوند. پشت پرده این جنگ‌ها، همان قدرت‌های جهانی ایستاده‌اند که نقش کارگردان را دارند. منبع: کتاب «استعمار فرانو» - احمد رضا نوری

رسانه‌ها در عصر جدید به خط مقدم جبهه استکبار تبدیل شده‌اند. با دروغ‌های هنرمندانه، سانسور هدفمند، وارونه‌نمایی واقعیت‌ها و قهرمان‌سازی از مزدوران، ذهن‌ها را تسخیر می‌کنند. هالیوود، شبکه‌های ماهواره‌ای، و شبکه‌های اجتماعی وابسته ابزارهای جنگ شناختی هستند.



راه‌های مبارزه با استکبار؛ از شعار تا راهبرد

بی‌تفاوتی اجتماعی، و استحاله سبک زندگی ابزارهای

مردن سلطه‌اند. مبارزه با این نفوذ خاموش، از طریق حفظ و احیای هویت ملی، دینی و انقلابی ممکن است.

هنر، ادبیات، رسانه، آموزش، و حتی پوشش و زبان، میدان‌هایی‌اند که در آن باید هویت ایرانی-اسلامی بازتولید شود. مردمی که ارزش‌های خود را فراموش کنند، زود یا دیر، سلطه‌ی بیگانه را می‌پذیرند.

۴. دیپلماسی عزتمندانه

مبارزه با استکبار به معنای انزوا نیست. ایران پس از انقلاب اسلامی نشان داد که می‌توان در عین تعامل با جهان، عزت را حفظ کرد. دیپلماسی مستقل، فعال و هوشمندانه، می‌تواند شبکه‌ای از ملت‌ها و دولت‌های مقاوم را به هم پیوند دهد.

تشکیل جبهه‌های منطقه‌ای مثل محور مقاومت، همکاری با کشورهای مستقل در سازمان‌هایی مانند بریکس، شانگهای یا کو، نمونه‌هایی از این رویکرد است. اگر تنها باشیم، ضعیف می‌شویم؛ اما اتحاد با دیگر ملت‌های مقاوم، قدرت جمعی در برابر استکبار جهانی ایجاد می‌کند.

۵. پرورش نسل مقاوم

هیچ مبارزه‌ای پایدار نیست، مگر آنکه نسل آینده ادامه‌دهنده راه باشد. نظام آموزشی، خانواده و رسانه باید در جهت **تربیت نسلی پرسش‌گر، تحلیل‌گر، متعهد و مقاوم** حرکت کنند. نسلی که تاریخ را بشناسد، فریب نخورد، و هویت خود را حفظ کند.

فرزندان ما باید بدانند که دشمن امروز، با سلاح‌های روانی و فکری می‌جنگد. اگر از کودکی با تحلیل، بصیرت، عزت‌نفس و مسئولیت اجتماعی آشنا شوند، دیگر ابزارهای فریب دشمن بر آن‌ها کارگر نخواهد بود.

هیچ ملت وابسته‌ای نمی‌تواند مستکبر ستیز باشد.

وابستگی اقتصادی، مقدمه سلطه سیاسی است. از نفت تا واردات کالاهای اساسی، از استقرار خارجی تا کنترل بازار ارز، هرکجا که یک ملت به بیرون تکیه کند، در واقع نقطه ضعف خود را تقدیم دشمن کرده است.

استکبار را چگونه می‌توان شکست داد؟

در جهانی که سلطه‌گران با ابزارهای پیچیده و چهره‌های بزرگ شده پا به میدان می‌گذارند، مقابله با استکبار به یک جنگ تمام‌عیار اما نامرئی تبدیل شده است. اگر در گذشته مقابله با استکبار به شورش و قیام محدود می‌شد، امروز مبارزه‌ای چندلایه و فراگیر است؛ از فرهنگ تا اقتصاد، از دیپلماسی تا رسانه، و از آموزش تا تکنولوژی. استکبارستیزی امروز، تنها با فریاد ممکن نیست؛ نیازمند تفکر، برنامه، اتحاد و اقدام مستمر است.

۱. آگاهی‌بخشی و جهاد تبیین؛ نبرد با تحریف

مستکبران امروز بیش از گلوله، از ابزارهای تحریف بهره می‌برند. رسانه‌ها را در اختیار دارند، تاریخ را به نفع خود بازنویسی می‌کنند، و دشمنی‌شان را در پوشش دلسوزی پنهان می‌کنند. در چنین شرایطی، **روشنگری و جهاد تبیین** یک وظیفه راهبردی است.

این جهاد نه تنها بر دوش رسانه‌ها و نخبگان، بلکه وظیفه‌ای عمومی برای معلمان، والدین، دانشگاهیان و فعالان اجتماعی است. تبیین درست تاریخ، اهداف دشمن، و روایت حقیقت، سلاحی مؤثر برای بی‌اثر کردن نقشه‌های استکبار است.

۲. استقلال اقتصادی؛ پایان وابستگی

هیچ ملت وابسته‌ای نمی‌تواند مستکبر ستیز باشد. **وابستگی اقتصادی، مقدمه سلطه سیاسی** است. از نفت تا واردات کالاهای اساسی، از استقراض خارجی تا کنترل بازار ارز، هرکجا که یک ملت به بیرون تکیه کند، در واقع نقطه ضعف خود را تقدیم دشمن کرده است.

راهکار اصلی، حرکت به سوی **اقتصاد مستقل**، تولید داخلی، حمایت از کالای بومی، و ایجاد زنجیره‌های اقتصادی مستقل است. کشوری که گندم، دارو، برق و امنیت غذایی‌اش را از دیگران می‌گیرد، نمی‌تواند در برابر استکبار ایستادگی کند.

۳. حفظ و تقویت هویت فرهنگی

استکبار تنها سرزمین‌ها را اشغال نمی‌کند؛ بلکه ذهن‌ها را تسخیر می‌کند. **فرهنگ مصرف‌گرایی، فردگرایی افراطی،**



استکبار با چهره جدید؛ از توپ و تانک تا تویتر و تحریم

یکی دیگر از شیوه‌های نوین سلطه، **ساختن الگوهای جعلی برای نسل جوان** است. با هزینه‌های گزاف، افرادی بی سابقه، بی ریشه و حتی بی هویت را به عنوان فعال اجتماعی، هنرمند یا روشنفکر مطرح می کنند تا حرف آن‌ها را جایگزین صدای اصیل ملت کنند. در مقابل، چهره‌های دلسوز، متخصص، متعهد و مردمی را سانسور می کنند یا تحقیر. این فرایند، جنگی روانی و بلندمدت برای تغییر چهره قهرمانان یک ملت است.

۶. کمک‌های بشردوستانه؟ یا استعمار نو؟

امروز سازمان‌های غیردولتی (NGO)، برنامه‌های توسعه سازمان ملل، کمک‌های آموزشی یا بهداشتی، گاهی پوششی برای **نفوذ، استحاله و استثمار نوین** هستند. تجربه کشورهایی چون افغانستان، سودان و هائیتی نشان می دهد که بسیاری از این «کمک‌ها»، در عمل ملت‌ها را وابسته‌تر، و دولت‌ها را ضعیف‌تر کرده‌اند.

پس چه باید کرد؟

شناخت روش‌های نوین استکبار، اولین گام برای مقابله است. نسل جدید باید بداند که دشمن امروز، بیشتر با ذهن و فکر سروکار دارد تا با اسلحه. مقابله با استکبار در قرن ۲۱، به معنای آگاهی، **هوشیاری رسانه‌ای، تقویت اقتصاد درون‌زا، حمایت از نخبگان متعهد، و ترویج گفتمان انقلابی در قالب‌های نوین** است.

استکبار، همان است؛ تنها لباس عوض شده

استکبار امروز شاید لباس دیپلمات، فعال رسانه‌ای یا سرمایه گذار را بپوشد، اما هدفش همان است: تسلط بر سرنوشت ملت‌ها. اگر دشمن را شناسیم، ابزارش را ندانیم، و نقشه‌اش را کشف نکنیم، در میدان او بازی خواهیم کرد.

استکبار دیگر منتظر شورش نظامی یا اعتراض خیابانی نیست؛ افراد نفوذی، نخبگان غرب زده، و مدیران بی ریشه را پرورش می دهد تا از درون، تصمیمات یک ملت را به نفع منافع بیگانه تغییر دهند

سلطه گری تمام نمی شود؛ فقط شکش عوض می شود

اگر روزگاری سلطه طلبان با لشکرکشی، استعمار سرزمین‌ها را رقم می زدند، امروز بی نیاز از گلوله، ملت‌ها را تسخیر می کنند. استکبار جهانی در قرن ۲۱ دیگر نیازی به پایگاه نظامی ندارد؛ او با **پلتفرم‌های دیجیتال، دلار، رسانه و نخبگان وابسته** سلطه خود را گسترش می دهد. استکبار تغییر چهره داده.

۱. جنگ نرم؛ حمله‌ای بی صدا، اما سهمگین

در جهان امروز، رسانه‌ها مهم‌تر از موشک‌ها هستند. امپراتوری رسانه‌ای غرب، با فیلم، سریال، بازی، شبکه‌های اجتماعی و حتی آموزش، مفاهیم موردنظر خود را تزریق می کند: آزادی به سبک غربی، لذت گرایی، فرد گرایی افراطی، مصرف زدگی، و تنفر از هویت دینی و ملی. هدف جنگ نرم، **تغییر باورها و ذائقه‌ها** است.

۲. تحریم؛ محاصره مدرن علیه ملت‌ها

تحریم، ابزار نوین استکبار برای مجازات ملت‌های مستقل است. آمریکا و متحدانش، با بهره گیری از سلطه بر سیستم مالی جهانی، کشورهایی مانند ایران، ونزوئلا، روسیه و... را هدف تحریم‌های گسترده قرار داده‌اند.

۳. نفوذ؛ سلطه از درون

استکبار دیگر منتظر شورش نظامی یا اعتراض خیابانی نیست؛ **افراد نفوذی، نخبگان غرب زده، و مدیران بی ریشه** را پرورش می دهد تا از درون، تصمیمات یک ملت را به نفع منافع بیگانه تغییر دهند. نفوذ می تواند در دانشگاه، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و حتی دین انجام شود.

۴. فتنه سازی؛ پروژه آشوب هدایت شده

در دهه اخیر، بارها شاهد بوده ایم که چگونه یک رخداد اجتماعی یا اقتصادی، به آشوبی سراسری تبدیل شده است. از فتنه ۸۸ تا ناآرامی‌های ۹۸ و ۱۴۰۱، همه نشانه‌هایی از **طراحی‌های پیچیده دشمن** هستند که با پشتیبانی مالی، رسانه‌ای و سایبری همراه بوده‌اند.

۵. نخبگان سازی مصنوعی؛ مهندسی الگوها



تحریف حقیقت؛ سلاح خاموش استکبار در جنگ روایت‌ها

در جنگ جهانی اول، یا نسل کشی در هیروشیما و ناگازاکی، به‌عمد در سایه نگه داشته می‌شوند تا حافظه تاریخی ملت‌ها عقیم شود.

بازتعریف واژگان؛ تسلط از درون ذهن

یکی از روش‌های خطرناک استکبار، **بازتعریف واژه‌هاست**. واژه‌هایی چون آزادی، دموکراسی، پیشرفت، حقوق بشر، تروریسم، مقاومت و حتی ملت، در رسانه‌ها و محافل دانشگاهی غربی، معنایی کاملاً وارونه پیدا کرده‌اند.

در این بازی پیچیده، مدافعان حقوق مردم فلسطین، «تروریست» خوانده می‌شوند، اما قاتلان کودکان غزه، «مدافعان امنیت ملی» معرفی می‌شوند!

جعل اسناد و روایت‌های تاریخی

در برخی موارد، نه تنها روایت‌ها، بلکه اسناد تاریخی نیز جعل می‌شود. مثلاً در برخی پژوهش‌ها، سعی می‌شود نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد را کم‌رنگ جلوه دهند، یا حتی علت انقلاب اسلامی ایران را «افراط‌گرایی دینی» نشان دهند، نه فساد و وابستگی رژیم پهلوی.

تحریف رسانه‌ای؛ تاریخ بی‌سند پرطرفدار

در عصر شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های ویدئویی، ساختن تاریخ جعلی آسان‌تر از همیشه است. یک مستند ۲۰ دقیقه‌ای پرزرق و برق می‌تواند در ذهن هزاران نفر یک روایت را تثبیت کند. حتی با یک پست ساده در اینستاگرام یا یک ترد در ایکس (توییتر)، می‌توان هزاران ذهن را منحرف کرد.

وظیفه ما چیست؟

ما باید هوشیار باشیم و اجازه ندهیم تاریخ ما را از ما بدزدند. بازخوانی دقیق تاریخ انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، نهضت‌های آزادی‌بخش، و چهره‌های مبارز، یک وظیفه ملی است.

یکی از روش‌های خطرناک استکبار، بازتعریف واژه‌هاست. واژه‌هایی چون آزادی، دموکراسی، پیشرفت، حقوق بشر، تروریسم، مقاومت و حتی ملت، در رسانه‌ها و محافل دانشگاهی غربی، معنایی کاملاً وارونه پیدا کرده‌اند.

استکبار، نه فقط با اسلحه که با «روایت» حکومت می‌کند یکی از خطرناک‌ترین ابزارهای سلطه، بازنویسی تاریخ و تحریف حقیقت است. اگر روزگاری استعمارگران با زور سرنیزه بر ملت‌ها حکمرانی می‌کردند، امروز با تحریف گذشته، کنترل آینده را در دست می‌گیرند.

در دنیای امروز، کسی پیروز میدان است که **روایت غالب** را در ذهن مردم بنشانند. استکبار جهانی این را خوب می‌داند و سال‌هاست در حال ساختن یک **واقعیت دروغین اما باورپذیر** برای ملت‌هاست.

تحریف چهره قهرمانان ملت‌ها

قهرمانان واقعی، اولین قربانیان تحریف‌اند. استکبار، از امام خمینی (ره) تا شهید سلیمانی، از چمران تا مالکوم ایکس را با روش‌های مختلف مورد حمله قرار داده است.

گاهی آن‌ها را افراطی، گاهی جنگ‌طلب، گاهی تمامیت‌خواه و گاهی بی‌اثر جلوه می‌دهد. رسانه‌های غربی و جریان‌های وابسته داخلی نیز این چهره‌سازی را تکرار می‌کنند تا نسل جدید، **افتخار به گذشته خود را از دست بدهد**.

تطهیر چهره استعمارگران

از سوی دیگر، شخصیت‌هایی مانند چرچیل، ترومن، کیسینجر یا حتی رضاخان، با کمک رسانه‌ها و کتاب‌های تاریخ، به‌عنوان **مصلح، نجات‌بخش یا مدرنیزه‌کننده** معرفی می‌شوند. این در حالی است که کارنامه آن‌ها مملو از جنایت، خیانت و سرکوب است.

در کتاب‌های درسی بسیاری از کشورهای تحت سلطه پیشین، واژه‌هایی چون «تمدن‌سازی غرب»، «جایگزین واژه‌های واقعی مانند «استعمار و چپاول» شده‌اند.

سانسور وقایع کلیدی

استکبار جهانی با تسلط بر رسانه‌های بین‌المللی، بسیاری از رخدادها را ضد استکباری را سانسور می‌کند. آیا تاکنون در رسانه‌های غربی نامی از ۱۳ آبان، یا حتی کودتای ۲۸ مرداد شنیده‌اید؟ وقایعی مانند جنایات آمریکا در ویتنام، نقش انگلیس در قحطی ایران



جوان امروز، مبارز فردا

چرا باید درباره استکبار با نسل جدید صحبت کنیم؟

در دنیایی که سرعت اطلاعات سرسام آور شده، مرز میان حقیقت و تحریف باریک تر از همیشه است. جوان امروز در معرض بمباران رسانه‌ای قرار دارد؛ رسانه‌هایی که عموماً تلاش دارند استکبار را تطهیر، مقاومت را تحقیر و آرمان گرایی را بی معنا جلوه دهند.

پس پرسش اصلی اینجاست: چگونه می‌توان گفتمان استکبارستیزی را به نسل جدید منتقل کرد، بی آنکه شعارزده یا تکراری به نظر برسیم؟

زبان نسل امروز را بشناسیم

نسل امروز با ابزارهای گذشته تربیت نمی‌شود. آنان با تصویر، ویدئو، پادکست، شبکه‌های اجتماعی، بازی و محتوای دیجیتال رشد کرده‌اند. اگر همچنان بخواهیم با لحن خطابه گونه یا روش‌های سنتی از آرمان‌ها بگوییم، نتیجه آن خواهد بود که از پیام دور می‌مانند، حتی اگر اصل پیام ارزشمند باشد.

واقع گرایی، نه رؤیایر دازی

نسل امروز دوست دارد واقعیات را بشنود، نه فقط شعارها را. باید با صداقت درباره مشکلات، کاستی‌ها، و حتی اشتباهات خودی نیز سخن بگوییم. چون فقط در فضای شفاف است که جوان احساس اعتماد می‌کند.

قهرمان سازی واقعی

اگر قهرمانان مبارزه با استکبار برای جوان امروز ناشناس بمانند، ذهن او به سرعت قهرمانان جعلی را خواهد پذیرفت؛ سلبریتی‌هایی که هیچ نسبتی با درد ملت ندارند.

باز تعریف چهره‌هایی چون شهید حاج قاسم سلیمانی، شهید مصطفی بدرالدین، امام موسی صدر، مالکوم ایکس، هوگو چاوز، یا حتی نوجوانانی مثل شهید فهمیده، باید در قالب‌های امروزی (کمیک، موشن گرافی، رمان گرافیکی، مستند کوتاه و...) انجام شود.

تضاد استکبار با پیشرفت و عزت ملی را روشن کنیم

یکی از شبهات رایج این است که استکبارستیزی، مانع پیشرفت کشورهاست. در حالی که واقعیت، عکس آن است: هر جا ملتی خواسته مستقل پیشرفت کند، استکبار مانع شده است.

مثال‌هایی از تحریم دانشمندان ایرانی، ترور نخبگان هسته‌ای، سرکوب اقتصاد مقاومتی، و تلاش برای جلوگیری از پیشرفت فناوری بومی، این نکته را روشن می‌کند که استکبار دشمن «پیشرفت مستقل» است، نه صرفاً یک ناظر سیاسی.

تجربه‌های جهانی را مرور کنیم

نسل امروز جهانی فکر می‌کند. باید به او نشان داد که استکبارستیزی فقط مربوط به ایران نیست. ملت‌هایی چون فلسطین، ونزوئلا، کوبا، یمن، عراق، لبنان، سوریه و حتی برخی کشورهای آفریقایی نیز قربانی استعمار نو هستند.

بررسی داستان‌های مقاومت در نقاط مختلف جهان (مانند زندگی چه گوارا، یا مقاومت جنبش‌های ضد استکباری در آفریقا)، گفتمان استکبارستیزی را از یک بحث صرفاً داخلی، به یک دغدغه انسانی ارتقا می‌دهد.

استکبارستیزی را اخلاق محور کنیم

اگر استکبارستیزی فقط در قالب خشم و نفرت تعریف شود، تأثیر محدودی خواهد داشت. باید نشان داد که این گفتمان برآمده از مفاهیمی چون عدالت خواهی، دفاع از مظلوم، نفی سلطه‌گری و حفظ کرامت انسانی است.

پیوند دادن آموزه‌های دینی، قرآنی و اخلاقی با مفهوم استکبارستیزی، موجب می‌شود این مبارزه در ذهن نسل جدید، با عمق معرفتی و معنوی همراه شود.

اگر استکبارستیزی فقط در قالب خشم و نفرت تعریف شود، تأثیر محدودی خواهد داشت. این گفتمان برآمده از مفاهیمی چون عدالت خواهی، دفاع از مظلوم، نفی سلطه‌گری و حفظ کرامت انسانی است.



استکبارستیزی؛ مسیر عزت، استقلال و بیداری ملت‌ها

جهانی شناخت نداشته باشد، راه برای نفوذ تدریجی باز خواهد شد. آموزش هدفمند، تبیین شفاف واقعیت‌ها و تقویت قدرت تحلیل سیاسی در جوانان، رسالتی ملی است.

۵. دیپلماسی هوشمند؛ تعامل بدون تسلیم

استکبارستیزی به معنای انزوا نیست. بلکه تعامل فعال، حساب‌شده و باعزت با جهان بخشی از راهبرد مقاومت است. دیپلماسی فعال، استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی، بهره‌گیری از فرصت‌های منطقه‌ای و پیوند با ملت‌های آزادی‌خواه، می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش دهد.

۶. نگاهی آینده‌محور به مسیر مقاومت

- **تقویت گفتمان رسانه‌ای و فرهنگی مقاومت:** تولید مستندات، برنامه‌های تحلیلی، آثار هنری و ادبی با محتوای بیداربخش نقش مهمی در ارتقا آگاهی عمومی ایفا می‌کند.
- **گسترش مطالعات تاریخی و سیاسی درباره استعمار و استکبار:** دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و نویسندگان باید شناخت جامعه را از واقعیت‌های پنهان قدرت‌های سلطه‌طلب افزایش دهند.
- **هم‌افزایی با ملت‌ها و دولت‌های همسو:** همکاری منطقه‌ای با کشورهای مقاوم در برابر استکبار، می‌تواند جبهه‌ای متحد و مؤثر در سطح بین‌المللی ایجاد کند.
- **استفاده از فناوری و رسانه‌های نوین:** حضور مؤثر در فضای مجازی، تولید محتوای هوشمند و پاسخ به شبهات، از جمله نیازهای ضروری جنگ نرم در عصر دیجیتال است.

استکبارستیزی به معنای انزوا نیست. بلکه تعامل فعال، حساب‌شده و باعزت با جهان بخشی از راهبرد مقاومت است. دیپلماسی فعال، استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی، بهره‌گیری از فرصت‌های منطقه‌ای و پیوند با ملت‌های آزادی‌خواه، می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش دهد.

استکبارستیزی، صرفاً یک شعار نیست؛ بلکه نقشه راهی است برای دستیابی به استقلال، پیشرفت و سربلندی. آنچه ایران را در برابر فشارها حفظ کرده، روحیه مقاومت، تکیه بر مردم و هوشمندی در مواجهه با چالش‌هاست. مادامی که این روحیه زنده بماند، هیچ قدرتی توان تسلط بر ملت ایران را نخواهد داشت. برای تداوم و تعمیق گفتمان استکبارستیزی، لازم است رویکردی جامع، آینده‌نگر و هوشمندانه اتخاذ شود. در این راستا، اقدامات زیر ضروری است:

۱. وحدت ملی؛ سپر اول در برابر نفوذ

نخستین هدف استکبار، ایجاد شکاف و اختلاف درون کشوری است. اختلافات سیاسی، مذهبی، قومی یا اقتصادی، بستر مناسبی برای نفوذ خارجی فراهم می‌کند. تجربه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نشان داد که در سایه وحدت و انسجام، می‌توان در برابر بزرگ‌ترین تهدیدها ایستادگی کرد.

۲. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی؛ نسخه رهایی‌بخش

در مواجهه با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، اتکا به توان داخلی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، نه تنها یک انتخاب بلکه یک الزام راهبردی است. خودکفایی در تولید، حمایت از کارآفرینی، رشد فناوری بومی و تقویت صنایع داخلی از جمله مسیرهایی هستند که آسیب‌پذیری کشور را به حداقل می‌رسانند. از شعار تا عمل، باید شرایطی فراهم شود که تولید داخلی رشد کند، مردم اعتماد پیدا کنند و اقتصاد کشور از وابستگی بیرون بیاید.

۳. هویت فرهنگی؛ سنگر نرم مقاومت

تهاجم فرهنگی یکی از ابعاد پنهان اما پرخطر استکبار است. رسانه‌های بین‌المللی، سبک زندگی غربی، جنگ روایت‌ها و تغییر ارزش‌ها ابزارهایی هستند که تلاش می‌کنند فرهنگ مقاومت و اصالت‌های دینی - ملی را تضعیف کنند. حفظ زبان، فرهنگ، دین و تاریخ، یعنی پاسداری از ریشه‌های ملت.

۴. آگاهی‌بخشی نسل جدید؛ تضمین آینده مقاومت

جوانان امروز، آینده‌سازان فردای ایران هستند. اگر نسل جدید نسبت به تاریخ استعمار، مفاهیم استقلال، و نقش استکبار در تحولات



چهره‌های ایرانی مبارزه با استکبار

دخالت بیگانگان و خودکامگی داخلی ایستادگی کرد. سخنان روشنگرانه او و موضع‌گیری‌های شجاعانه‌اش، تا پای جان ادامه یافت.

۵. شهید نواب صفوی:

رهبر فدائیان اسلام که با مواضع صریح، در برابر مفساد فرهنگی و سیاسی وابسته به غرب ایستاد. او با شهادت خود، بذریع بیداری اسلامی را در دل جامعه پاشید.

۶. آیت‌الله طالقانی:

مفسر قرآن و مجاهد آزادی‌خواه، که هم در دوران طاغوت و هم پس از انقلاب، حامی عدالت اجتماعی و کرامت انسانی بود.

۷. شهید دکتر مصطفی چمران:

مرد علم، عرفان و مقاومت. از دانشگاه‌های آمریکا تا جبهه‌های لبنان و ایران، پرچم مبارزه با استکبار و دفاع از مظلومان را در دست داشت.

۸. ستارخان:

او یکی از چهره‌های برجسته جنبش مشروطه ایران بود که در برابر استبداد محمدعلی شاه ایستادگی کرد. او در سردارکندی و رزقان به دنیا آمد و با رهبری مقاومت تبریز نقش مهمی در پیروزی مشروطه‌خواهان ایفا کرد.

۹. دکتر محمد مصدق:

نخست‌وزیر ملی‌گرای ایران که با ملی‌کردن صنعت نفت، ضربه‌ای تاریخی به استعمار بریتانیا وارد کرد. او با مقاومت در برابر دخالت‌های آمریکا و انگلیس، به یکی از نمادهای تاریخی مبارزه با سلطه خارجی تبدیل شد.

تاریخ معاصر ایران، سرشار از نام‌هایی است که با ایمان، شجاعت و بینش، در برابر استعمار، استبداد و استکبار ایستادگی کرده‌اند. این شخصیت‌ها، با فداکاری و آرمان‌خواهی، راه عزت و استقلال را برای ملت ایران گشودند و نامشان در حافظه تاریخی مردم ثبت شد

تاریخ معاصر ایران، سرشار از نام‌هایی است که با ایمان، شجاعت و بینش، در برابر استعمار، استبداد و استکبار ایستادگی کرده‌اند. این شخصیت‌ها، با فداکاری و آرمان‌خواهی، راه عزت و استقلال را برای ملت ایران گشودند و نامشان در حافظه تاریخی مردم ثبت شد. در ادامه، برخی از مهم‌ترین چهره‌های ضداستکباری ایران معرفی می‌شوند:

۱. امام خمینی (ره):

رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران. با نهضتی الهی و مردمی، رژیم وابسته پهلوی را سرنگون کرد و نظامی مستقل و اسلامی را پایه‌گذاری نمود. شعارهای ضداستکباری او، مانند «آمریکا شیطان بزرگ است»، به زبان مشترک مبارزان جهان اسلام تبدیل شد.

۲. آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای:

رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، از شاگردان برجسته امام خمینی و از مبارزان دیرپای دوران ستم‌شاهی. ایشان پس از پیروزی انقلاب، در مسئولیت‌های مهمی چون ریاست جمهوری و رهبری نظام، مسیر مبارزه با استکبار را با قاطعیت ادامه داد. دفاع از مظلومان، ایستادگی در برابر آمریکا، حمایت از جبهه مقاومت و تأکید بر استقلال فرهنگی و اقتصادی کشور، از ارکان رهبری ایشان است. امام خامنه‌ای، با بیانی روشن و شجاعانه، پرچم‌دار امروزین نهضت استکبارستیزی در جهان اسلام است.

۳. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی:

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و چهره جهانی مقاومت اسلامی. او با خنثی‌سازی نقشه‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه، به کابوس دشمنان و امید ملت‌ها بدل شد. شهادتش، جبهه استکبار را رسوا و ملت‌ها را بیدار کرد.

این شخصیت‌ها، هریک در جایگاه خود، نماد ایمان، استقلال و عزت ملت ایران‌اند. راه آنان، راه روشن مبارزه با سلطه‌طلبی و ظلم است؛ راهی که همچنان پر رهرو مانده است.

۴. آیت‌الله سید حسن مدرس:

روحانی مجاهد و نماینده‌ای که در مجلس شورای ملی، در برابر



چهره‌های بین‌المللی مبارزه با استکبار

۷. احمد شاه مسعود (افغانستان):

رهبر مقاومت افغانستان در برابر اشغال شوروی و سپس طالبان. او با نگاهی مستقل، از مداخله بیگانگان در سرنوشت ملت‌ها پرهیز داشت و به «شیر پنجشیر» معروف شد.

۸. جمال عبدالناصر (مصر):

رئیس‌جمهور انقلابی مصر که با ملی کردن کانال سوئز، در برابر قدرت‌های استعماری انگلیس و فرانسه ایستاد. او از اتحاد ملت‌های عرب در برابر استعمار غرب دفاع می‌کرد.

۹. توماس ساتکارا (بورکینافاسو):

رئیس‌جمهور انقلابی آفریقا که با برنامه‌هایی ضدامپریالیستی و ضدفساد، تلاش کرد استقلال واقعی کشورش را تضمین کند. او نیز مانند بسیاری دیگر از این رهبران، ترور شد.

۱۰. آیت‌الله سید محمدباقر صدر (عراق):

اندیشمند و مبارز اسلامی که با صدام و نفوذ غربی در عراق مقابله کرد. او با اندیشه «اقتصادنا» (اقتصاد ما)، به نقد نظام سرمایه‌داری پرداخت.

۱۱. فیدل کاسترو (کوبا):

رهبر انقلاب کوبا که حکومت دیکتاتوری باتیستا، متحد آمریکا، را سرنگون کرد و دهه‌ها در برابر تحریم‌ها و تهدیدهای واشنگتن ایستادگی نمود. این رهبران، هرچند از فرهنگ‌ها، قاره‌ها و مذاهب گوناگون برخاسته‌اند، اما در یک ویژگی مشترک‌اند: ایستادگی در برابر سلطه‌جویی و باور به کرامت انسان. زندگی آنان گواهی است بر این حقیقت که مبارزه با استکبار، فراتر از مرزهاست و صدای آزادی همیشه در گوش تاریخ طنین‌انداز خواهد ماند.

در گستره تاریخ معاصر، ملت‌های گوناگون شاهد ظهور رهبرانی بوده‌اند که در برابر استعمار، امپریالیسم و سلطه‌جویی قدرت‌های جهانی ایستادگی کرده‌اند. این شخصیت‌ها، با شجاعت و بینش، راه استقلال و آزادی را برای ملت‌های خود هموار کرده‌اند.

در گستره تاریخ معاصر، ملت‌های گوناگون شاهد ظهور رهبرانی بوده‌اند که در برابر استعمار، امپریالیسم و سلطه‌جویی قدرت‌های جهانی ایستادگی کرده‌اند. این شخصیت‌ها، با شجاعت و بینش، راه استقلال و آزادی را برای ملت‌های خود هموار کرده‌اند و الهام‌بخش جنبش‌های عدالت‌طلبانه در سراسر جهان بوده‌اند. در این نوشتار به معرفی شماری از این چهره‌های تأثیرگذار می‌پردازیم.

۱. مهاتما گاندی (هند):

رهبر بزرگ استقلال هند که با تکیه بر مقاومت بدون خشونت، امپراتوری بریتانیا را به‌زانو درآورد. گاندی با ابزار تحریم، نافرمانی مدنی و اخلاق‌مداری، الهام‌بخش بسیاری از مبارزات ضد استعماری شد.

۲. نلسون ماندلا (آفریقای جنوبی):

نماد مبارزه با تبعیض نژادی. ماندلا سال‌ها در زندان مقاومت کرد و پس از آزادی، با رویکردی وحدت‌گرایانه، کشورش را به سمت آشتی ملی سوق داد.

۳. چه‌گوارا (آرژانتین/کوبا):

انقلابی آمریکای لاتین که علیه امپریالیسم آمریکا و برای عدالت اجتماعی مبارزه کرد. او در بولیوی اعدام شد، اما چهره‌اش به نماد جهانی مقاومت تبدیل شد.

۴. مالکوم ایکس (ایالات متحده):

مدافع حقوق سیاه‌پوستان آمریکا. او پس از آشنایی با اسلام، مبارزه‌اش را جهانی‌تر دید و با صدای بلند از مظلومان و مستضعفان دفاع کرد.

۵. پاتریس لومومبا (کنگو):

نخستین نخست‌وزیر مستقل کنگو که در برابر استعمار بلژیک و دخالت‌های غرب ایستادگی کرد. او به دلیل مواضع ضدامپریالیستی‌اش ترور شد.

۶. هوگو چاوز (ونزوئلا):

رئیس‌جمهور مردمی ونزوئلا که علیه سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا در آمریکای جنوبی ایستاد. او منابع ملی را باز پس گرفت و از عدالت اجتماعی دفاع کرد.

مناسبت‌های ماه شمس و قمری

شهادت مصطفی خمینی رحمه‌الله

آیت‌الله سید مصطفی خمینی، فرزند ارشد امام خمینی، در تاریخ ۱ آبان ۱۳۵۶ در شهر نجف توسط عوامل رژیم پهلوی مسموم و به شهادت رسید.

شب قبل از درگذشت، مصطفی خمینی منتظر مهمانانی بود که دیر رسیدند. پس از صرف شام با آنها، صبح روز بعد، خدمتکار خانه او را بی‌جان در اتاق مطالعه یافت. بدن او کیود و عرق کرده بود، نشانه‌هایی که پزشکان را به مسمومیت مشکوک کرد. امام خمینی اجازه کالبدشکافی نداد و پیکر او در حرم امام علی علیه اسلام در نجف به خاک سپرده شد.

امام خمینی در واکنش به این واقعه، آن را از «الطاف خفیه الهی» دانست و با آرامش و صبر مثال‌زدنی، مراسم تشییع را مانند سایر تشییع‌ها برگزار کرد، بدون هیچ تفاوتی برای فرزندش. شهادت مصطفی خمینی نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی بود. مراسم بزرگداشت او در سراسر ایران برگزار شد. این مراسم‌ها به افزایش نارضایتی عمومی و شتاب گرفتن نهضت اسلامی کمک کردند.



ولادت حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و روز پرستار

پنجم جمادی‌الاول، سالروز ولادت بانوی قهرمان کربلا، حضرت زینب کبری سلام‌الله‌علیها است؛ بانویی که با صبر، شجاعت، و ایمان بی‌نظیرش، تاریخ را دگرگون کرد. در سال پنجم یا ششم هجری قمری، در مدینه چشم به جهان گشود. نام او را پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه با الهام از وحی الهی، زینب گذاشت. از همان کودکی، نشانه‌های علم، معرفت، و بصیرت در وجودش نمایان بود.

چرا روز پرستار؟

در ایران، روز ولادت حضرت زینب (س) به‌عنوان روز پرستار نام‌گذاری شده است، زیرا ایشان پس از واقعه عاشورا، پرستاری امام سجاد علیه‌السلام و دیگر بیماران اهل‌بیت را برعهده داشت. باوجود مصیبت‌های سنگین، لحظه‌ای از رسالت تبلیغی و مراقبتی خود غافل نشد همچنین نماد ایثار، دلسوزی، و مراقبت بی‌منت در سخت‌ترین شرایط بود.

ویژگی‌های برجسته حضرت زینب (س)

- علم و دانش: شاگرد مکتب اهل‌بیت، مفسر قرآن و خطیب برجسته.
- شجاعت و فداکاری: در عاشورا و اسارت، همچون کوه ایستادگی کرد.
- عبادت و تقوا: حتی در مسیر اسارت، نماز شب را ترک نکرد.
- رهبری و مدیریت: هدایت کاروان اهل‌بیت پس از عاشورا، سخنرانی‌های افشاگرانه در کوفه و شام.



شهادت محمدحسین فهمیده روز نوجوان

شهادت محمدحسین فهمیده؛ نماد ایثار نوجوانان ایران

در تاریخ ۸ آبان ۱۳۵۹، نوجوانی ۱۳ساله به نام محمدحسین فهمیده با اقدامی شجاعانه در دفاع از وطن، به شهادت رسید. این روز به پاس فداکاری او، به‌عنوان روز نوجوان و بسیج دانش‌آموزی نام‌گذاری شده است.

واکنش امام خمینی (ره)

«رهبر ما آن طفل سیزده‌ساله‌ای است که با قلب کوچک خود... با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.»



شهادت آیه الله قاضی طباطبائی اولین شهید محراب

آیت‌الله سید محمدعلی قاضی طباطبائی، نخستین شهید محراب انقلاب اسلامی ایران، در شامگاه ۱۰ آبان ۱۳۵۸، مصادف با عید قربان، پس از اقامه نماز مغرب و عشاء در مسجد شعبان تبریز، توسط گروهک تروریستی فرقان به شهادت رسید. این شهید بزرگوار بیش از ۴۰ کتاب در زمینه‌های فقه، کلام، تاریخ اسلام و تفسیر تألیف نمودند و تسلط کامل بر زبان عربی و نگارش مقالات علمی در نشریات عربی داشتند.



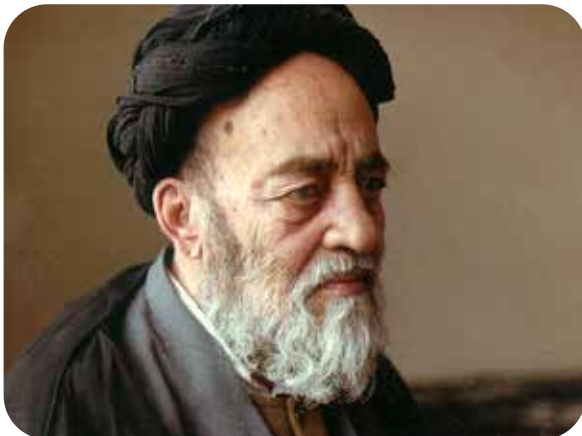
ولادت امام سجاد

امام علی بن الحسین، مشهور به امام سجاد و زین العابدین علیه السلام، چهارمین امام شیعیان است که در سال‌های پس از واقعه کربلا، با عبادت، دعا و تربیت معنوی، نقش بزرگی در حفظ اسلام ایفا کرد. بنا بر قول مشهور، ایشان در ۵ شعبان سال ۳۸ هجری قمری؛ شهر مدینه، متولد شده‌اند از همان کودکی، نشانه‌های تقوا، علم، و عبادت در وجود ایشان نمایان بود. در دوران نوجوانی، شاهد حکومت پدر بزرگش امام علی علیه السلام و سپس امام حسن علیه السلام بود.



روز بزرگداشت علامه سید محمدحسین طباطبائی (ره)

۲۴ آبان؛ در تقویم رسمی ایران به یاد فیلسوف، مفسر و عارف برجسته جهان اسلام، علامه طباطبائی، گرامی داشته می‌شود. ایشان صاحب آثار ماندگاری چون تفسیر المیزان و اصول فلسفه و روش رئالیسم بدایة الحکمة و نهاية الحکمة رساله الولاية است که تأثیر عمیقی بر اندیشه اسلامی و فلسفه معاصر گذاشته‌اند.



وی از پیش گامان نهضت اسلامی در آذربایجان بود و چندین بار به شهرهای بافت، زنجان، مشهد و عراق تبعید شدند و پس از انقلاب نماینده امام خمینی و اولین امام جمعه تبریز بودند. وی در مسیر بازگشت نماز عید قربان، توسط عوامل گروه فرقان ترور شد قاتل پس از ترور گفته بود: «خمینی دوم را کشتم»



شهادت حضرت زهرا به روایتی

شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین وقایع تاریخ اسلام است طبق روایت، حضرت زهرا (س) پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، در جریان هجوم به خانه‌اش، بین درودیوار قرار گرفت و دچار آسیب شدید شد. این حادثه منجر به سقط جنین ایشان گردید و پس از آن به مدت حدود ۷۵ روز در بستر بیماری افتادند و نهایتاً در ۱۳ جمادی‌الاولی سال ۱۱ هجری قمری به شهادت رسیدند. حضرت زهرا (س) وصیت کردند که شبانه دفن شوند و کسانی که به ایشان ظلم کردند، در مراسم حضور نداشته باشند. محل دفن ایشان نامعلوم است و برخی منابع آن را در بقیع، روضه النبی یا خانه خودشان ذکر کرده‌اند.



تبعید امام به ترکیه

تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه یکی از نقاط عطف در تاریخ نهضت اسلامی ایران بود که در پی اعتراض شدید ایشان به لایحه کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳ رخ داد. امام خمینی در ۴ آبان ۱۳۴۳ طی سخنرانی‌ای کوبنده، تصویب لایحه کاپیتولاسیون را ننگ ملی و سند بردگی ملت ایران دانست. مأموران ساواک در سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳، منزل وی را در قم محاصره کردند و ایشان را به فرودگاه مهرآباد منتقل و با هواپیمای نظامی به ترکیه فرستادند.



وابستگی سیاسی و استقلال سیاسی؛ مفاهیمی بنیادین در سرنوشت ملت‌ها

وابستگی سیاسی یعنی چه؟

در مقابل، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نقطه عطفی در تاریخ ایران بود که شعار اصلی آن «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود. این انقلاب، نه تنها سلطنت وابسته را سرنگون کرد، بلکه تلاش کرد تا ساختار تصمیم‌گیری کشور را از نفوذ خارجی پاک کند. قطع روابط با رژیم صهیونیستی، اخراج مستشاران نظامی آمریکا، و ملی کردن بسیاری از ارکان اداره کشور، نمونه‌هایی از این مسیر استقلال‌طلبانه بود.

استقلال در قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت بر اصل استقلال سیاسی تأکید شده است. اصل نهم این قانون تصریح می‌کند که «هیچ مقامی حق ندارد استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کشور را حتی به بهانه حفظ وحدت ملی یا تمامیت ارضی، نقض کند».

استقلال سیاسی در عصر جهانی‌شدن

هرچند انقلاب اسلامی تلاش کرد تا استقلال سیاسی را نهادینه کند، اما چالش‌های عصر جدید از جمله جهانی‌شدن، تحریم‌های اقتصادی، جنگ رسانه‌ای و نفوذ فناوری‌های خارجی، ابعاد جدیدی به این استقلال بخشیده‌اند. امروزه استقلال سیاسی صرفاً به معنای خروج بیگانگان از کشور نیست، بلکه توانایی در اداره کشور در دنیای پیچیده و متصل به هم است.

منابع:

۱. دکتر حسین بشیریه، تاریخ اندیشه سیاسی در ایران معاصر.
۲. دکتر عماد افروغ، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی؛ گفتمان انقلاب اسلامی در دهه اول.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نقطه عطفی در تاریخ ایران بود که شعار اصلی آن «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود. این انقلاب، نه تنها سلطنت وابسته را سرنگون کرد، بلکه تلاش کرد تا ساختار تصمیم‌گیری کشور را از نفوذ خارجی پاک کند.

در ادبیات علوم سیاسی، وابستگی سیاسی به وضعیتی اطلاق می‌شود که یک کشور در تصمیم‌گیری‌های کلان خود از اراده قدرت‌های خارجی تبعیت کرده یا نتواند به صورت مستقل منافع ملی‌اش را پیگیری کند. این وابستگی می‌تواند اشکال گوناگونی به خود بگیرد: از نفوذ مستقیم سفارتخانه‌های بیگانه در ساختار حکومتی گرفته تا تسلط بیگانگان بر سیاست خارجی، اقتصاد و حتی فرهنگ کشور. در چنین ساختاری، حاکمیت ملی کشور عملاً تضعیف شده و استقلال آن جنبه‌ای نمایشی می‌یابد.

استقلال سیاسی؛ رهایی از سلطه بیگانه

در نقطه مقابل، استقلال سیاسی یعنی توانایی یک ملت در تعیین سرنوشت خود، بدون دخالت یا فشار خارجی. کشوری که از استقلال سیاسی برخوردار است، می‌تواند آزادانه درباره سیاست خارجی، نظام اقتصادی، ساختار حکومتی و فرهنگ عمومی خود تصمیم بگیرد. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاری‌ها در داخل کشور و بر اساس منافع ملی انجام می‌پذیرد، نه خواست بیگانگان.

نظریه وابستگی؛ باز تاب استعمار نو

در ادبیات دانشگاهی، به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ به بعد، نظریه‌هایی چون «نظریه وابستگی» (Dependency Theory) شکل گرفتند که توضیح می‌دادند چگونه کشورهای «مرکز» (قدرت‌های بزرگ) با استفاده از ابزارهایی چون بدهی خارجی، نظام سرمایه‌داری جهانی، رسانه‌ها و مستشاران، کشورهای «پیرامونی» را در وضعیت وابستگی مزمّن نگه می‌دارند. این نظریه بعدها به تحلیل مناسباتی چون وابستگی شاه ایران به غرب کمک شایانی کرد.

تجربه ایران؛ از تبعیت تا استقلال

در ایران قرن بیستم، به‌ویژه در دوران پهلوی دوم، وابستگی سیاسی به آمریکا و بریتانیا از برجسته‌ترین ویژگی‌های ساختار قدرت بود. از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با برنامه‌ریزی و اجرای سازمان‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس انجام شد، تا انتصاب و عزل نخست‌وزیران با هماهنگی سفارتخانه‌ها، می‌توان نشانه‌های فراوانی از نفوذ خارجی دید.



کودتای ۱۲۹۹؛ زایش سلطنت پهلوی در سایه بریتانیا

پشت پرده سیاسی ظهور رضاخان و مهندسی قدرت توسط استعمار انگلیس

پس از مشروطه و به‌ویژه در دهه پایانی سلطنت قاجار، ایران با وضعیتی به‌شدت بی‌ثبات مواجه بود. ضعف حکومت مرکزی، اشغال کشور در جنگ جهانی اول، دخالت بیگانگان و ناامنی گسترده، شرایطی ایجاد کرده بود که بسیاری از روشنفکران و دولتمردان آن را «فروپاشی ساختاری» می‌نامیدند. در این بستر، زمینه برای ظهور یک نیروی نظامی مقتدر که بتواند کشور را به‌ظاهر نظم دهد، فراهم شده بود.

طرح انگلیسی برای یک دیکتاتوری باثبات

درحالی‌که روسیه پس از انقلاب بلشویکی (۱۹۱۷) دچار ضعف داخلی شده بود، بریتانیا به تنها قدرت خارجی مؤثر در ایران بدل شد. مقامات لندن به این نتیجه رسیده بودند که برای حفظ منافع خود در ایران، به‌ویژه دسترسی به هند و نفت جنوب، نیاز به حکومتی باثبات دارند. چنان‌که اسناد وزارت خارجه بریتانیا نشان می‌دهد، آن‌ها بر این باور بودند که ساختار قاجار ناتوان از تأمین منافع امپراتوری بریتانیاست.

رضاخان؛ مرد مورد اعتماد لندن

رضاخان میرپنج، فرمانده یکی از واحدهای قزاق مستقر در قزوین، چهره‌ای نظامی و بلندپرواز بود که از حمایت مستقیم ژنرال آبرونساید، فرمانده نیروهای بریتانیا در ایران، برخوردار شد. آبرونساید بعدها در خاطراتش نوشت: رضاخان را فردی مناسب برای به‌دست‌گیری قدرت می‌دانستم... او قابلیت اجرای فرمان و اعمال نظم را داشت.

کودتای سوم اسفند؛ آغاز یک پروژه وابسته

در بامداد سوم اسفند ۱۲۹۹، نیروهای قزاق به فرماندهی رضاخان و با چراغ‌سبز بریتانیا، تهران را اشغال کردند. احمدشاه قاجار با ترس و اضطراب، حکم ریاست وزرایی سید ضیاءالدین طباطبایی را امضا کرد. هرچند طباطبایی پس از سه ماه برکنار شد، اما رضاخان در ارتش و سپس در عرصه سیاسی تثبیت شد. بسیاری از تاریخ‌نگاران این کودتا را نه یک حرکت داخلی، بلکه مهندسی آشکار بریتانیا برای استقرار حکومتی وابسته و درعین‌حال مقتدر می‌دانند.

گذار از رضاخان سردار سپه به رضاشاه پهلوی

پس از چند سال نخست‌وزیری و کنترل نظامی کشور، رضاخان در سال ۱۳۰۴ با طراحی صحنه‌ای حساب‌شده، سلطنت قاجار را منحل و نظام شاهنشاهی پهلوی را پایه‌گذاری کرد. این تغییر نه تنها ساختار قدرت را تغییر داد، بلکه نشان از تسلط یک نیروی برآمده از وابستگی بر سکان هدایت کشور داشت.

آیا رضاشاه ملی‌گرا بود؟

اگرچه برخی پژوهشگران، اقدامات عمرانی و نوسازی رضاشاه را نماد ناسیونالیسم ایرانی می‌دانند، اما بررسی اسناد تاریخی، روابط نزدیک او با سفارت بریتانیا، قراردادهای نظامی و اقتصادی، و سرکوب مخالفان استقلال‌طلب، تصویری دیگر نشان می‌دهد. او در ظاهر ناسیونالیست، در باطن مأمور اجرای اراده لندن بود؛ شخصیتی باروحيه نظامی، اما در خدمت برنامه‌ریزی سیاسی استعمار.

میراث کودتا: زمینه‌ساز وابستگی‌های آتی

کودتای ۱۲۹۹ تنها یک تغییر قدرت نبود؛ بلکه آغازی برای وابستگی نهادینه‌شده در ساختار سیاسی ایران بود که در دهه‌های بعدی، به‌ویژه در دوران محمدرضا شاه، به شکل عمیق‌تری توسعه یافت. این کودتا سنگ بنای دولتی شد که بدون خواست و اراده مردم، بلکه با تصمیم قدرت‌های خارجی شکل گرفت.

منابع:

۱. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی.
۲. غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج‌ساله ایران.
۳. ماشاءالله آجودانی، مشروطه ایرانی و پیش‌زمینه‌های نظریه حکومت‌قانون.

پس از چند سال نخست‌وزیری و کنترل نظامی کشور، رضاخان در سال ۱۳۰۴ با طراحی صحنه‌ای حساب‌شده، سلطنت قاجار را منحل و نظام شاهنشاهی پهلوی را پایه‌گذاری کرد. این تغییر نه تنها ساختار قدرت را تغییر داد، بلکه نشان از تسلط یک نیروی برآمده از وابستگی بر سکان هدایت کشور داشت.



سلطنت با مهندسی خارجی

تحکیم جایگاه محمدرضا شاه با حمایت بی‌قید و شرط قدرت‌های غربی پس از شهریور ۱۳۲۰

در شهریور ۱۳۲۰، هم‌زمان با اوج‌گیری جنگ جهانی دوم، ایران به اشغال متفقین در آمد. نیروهای شوروی از شمال و نیروهای انگلیس از جنوب وارد کشور شدند و به بهانه همکاری رضاشاه با آلمان، او را وادار به کناره‌گیری کردند. در ظاهر، رضاشاه «داوطلبانه» کشور را ترک کرد، اما در واقع برکناری او پروژه‌ای هماهنگ از سوی بریتانیا و شوروی بود.

محمدرضا؛ پادشاهی بدون اقتدار داخلی

شاه جوان، محمدرضا پهلوی، در شرایطی به سلطنت رسید که از خود هیچ پایگاه سیاسی یا اجتماعی نداشت. نه سابقه‌ای در مدیریت کشور داشت و نه مقبولیتی میان نخبگان یا مردم. بنابراین، بقای او به‌طور کامل به حمایت بیگانگان وابسته بود. سفارت بریتانیا و بعدها آمریکا، نه تنها حامیان او بودند، بلکه گاه تصمیمات حیاتی کشور را برایش تعیین می‌کردند.

پادشاه‌سازی؛ توسط انگلستان و آمریکا

با فروپاشی اقتدار رضاشاه، شرایط برای شکل‌گیری فضای دموکراتیک در کشور فراهم شده بود. اما انگلیسی‌ها که نگران گسترش نفوذ شوروی بودند، تلاش کردند با حفظ ساختار سلطنتی و کنترل آن از طریق محمدرضا شاه، مهره‌ای قابل کنترل در قدرت نگه دارند. بعدها با آغاز جنگ سرد، آمریکا نیز وارد این معادله شد و محمدرضا شاه را به‌عنوان «پادشاه ضد کمونیست» در منطقه تقویت کرد.

نقش سفارت‌ها در ثبات سلطنت

سند‌های منتشرشده در آرشیوهای بریتانیا و ایالات متحده نشان می‌دهند که سفارت‌های این دو کشور در تهران نقش مهمی در چینش کابینه‌ها، اداره ارتش، کنترل رسانه‌ها و حتی سیاست‌های اقتصادی داشتند. شاه در بسیاری از مواقع، بدون هماهنگی با این قدرت‌ها، قادر به اجرای تصمیمات کلان نبود. به تعبیر یرواند آبراهامیان، «شاه تا سال‌ها بیشتر نقش یک مقام تشریفاتی وابسته را ایفا می‌کرد تا پادشاهی مقتدر».

بحران ملی شدن نفت؛ وقتی شاه به سود بیگانگان سکوت کرد

در دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، شاه در تقابل با جنبش ملی و خواست مردم برای قطع سلطه انگلیس بر نفت، سکوتی معنادار اختیار کرد. بعدها با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با نقش‌آفرینی مشترک سیا و ام‌آی‌سیکس طراحی و اجرا شد، شاه عملاً با بازگشت به کشور، موقعیت خود را به‌عنوان پادشاهی مطلق‌گرا اما وابسته تثبیت کرد. از این پس، او به‌طور کامل به یکی از ابزارهای اجرایی سیاست آمریکا در منطقه بدل شد.

تقویت نهادهای وابسته؛ از ساواک تا ارتش شاهنشاهی

پس از کودتا، قدرت‌های غربی تلاش کردند ابزارهای سلطه داخلی شاه را تقویت کنند. مهم‌ترین آن‌ها ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) بود که با الگوگیری از سیا و موساد تأسیس شد. در همین راستا، ارتش نیز به یک نهاد شدیداً وابسته به تسلیحات، آموزش‌ها و استراتژی‌های نظامی آمریکا تبدیل شد.

نقش بیگانگان در تثبیت چهره شاه

پروپاگاندا غربی، شاه را به‌عنوان «مدرن‌کننده ایران» و «سدی در برابر کمونیسم» معرفی کرد. کمک‌های مالی، نظامی و تبلیغاتی ایالات متحده، بخش بزرگی از ظاهر قدرتمند شاه را ساخت. درحالی‌که پایه‌های مشروعیت داخلی او هر روز بیش‌ازپیش فرومی‌ریخت.

وابستگی سیاسی و نارضایتی اجتماعی

این وابستگی روزافزون، در نهایت به یکی از عوامل اصلی نارضایتی گسترده مردمی و خیزش انقلابی در دهه ۵۰ تبدیل شد. مردم ایران، به‌ویژه نسل جوان و روشنفکر، سلطنت را نماد بی‌اختیاری، تحقیر ملی و استبداد وابسته می‌دانستند.

منابع:

۱. یرواند آبراهامیان، کودتا: ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا.
۲. فریدون آدمیت، اندیشه سیاسی در نهضت مشروطیت ایران، انتشارات پیام.

پروپاگاندا غربی، شاه را به‌عنوان «مدرن‌کننده ایران» و «سدی در برابر کمونیسم» معرفی کرد. کمک‌های مالی، نظامی و تبلیغاتی ایالات متحده، بخش بزرگی از ظاهر قدرتمند شاه را ساخت



مأموران سیا، دستگاه اطلاعاتی جدیدی با نام ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) تأسیس شد. این نهاد، به ابزاری برای سرکوب مخالفان، کنترل رسانه‌ها، و حفظ فضای خفقان در کشور تبدیل شد؛ نمونه‌ای از دیکتاتوری وابسته که با الگوبرداری از مدل‌های آمریکایی شکل گرفت.

اثرات بلندمدت کودتا بر ساختار سیاسی ایران

کودتای ۲۸ مرداد تنها یک تغییر قدرت نبود؛ بلکه نقطه عطفی در تاریخ وابستگی سیاسی ایران بود. از آن پس، استقلال ملی که در دوران کوتاه مصدق به دست آمده بود، به حاشیه رفت و تصمیم‌گیری‌های کلان کشور، اغلب در هماهنگی یا تبعیت از منافع آمریکا انجام می‌گرفت.

خشم عمومی و مقدمه انقلاب

اگرچه شاه تا سال‌ها پس از کودتا توانست با اتکال به قدرت‌های خارجی سلطه خود را حفظ کند، اما نارضایتی عمومی، رشد فقر، تحقیر ملی و سرکوب سیاسی، بذرهایی بود که در نهایت در سال ۱۳۵۷ به انقلاب اسلامی انجامید؛

منابع:

۱. فریدون مجلسی، ۲۸ مرداد؛ زمینه‌ها و پیامدها.
۲. مصطفی الماسی، سقوط مصدق؛ تحلیلی بر کودتای ۲۸ مرداد.

در ۲۸ مرداد، با بسیج نیروهای نظامی، ارادل و اوباش اجیر شده، و سردرگمی عمومی، دولت مصدق سرنگون شد. رادیو به تصرف نیروهای کودتاگر درآمد، خانه نخست‌وزیر غارت شد، و نظامیانی وفادار به شاه، عملاً کنترل کشور را در دست گرفتند.

کودتای ۲۸ مرداد؛ روزی که ایران به آمریکا واگذار شد

نقطه پایان بر استقلال ملی و تثبیت رژیم شاهنشاهی وابسته

در اوایل دهه ۱۳۳۰، با تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفت و به نخست‌وزیری رسیدن دکتر محمد مصدق، ایران وارد فصلی نو از تاریخ خود شد. مصدق که نماد خواست عمومی برای استقلال سیاسی و اقتصادی بود، با اراده‌ای راسخ در برابر امتیازات استعماری ایستاد. ملی کردن نفت، اقدامی تاریخی بود که منافع بریتانیا را در ایران به خطر انداخت و در نتیجه، خشم لندن را برانگیخت.

شکست انگلیس در برابر مقاومت مصدق

انگلیس که سال‌ها با قراردادهایی چون دارسی و ۱۹۳۳ نفت ایران را در اختیار داشت، ابتدا تلاش کرد با روش‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی، مصدق را وادار به عقب‌نشینی کند. اما ناکامی در شورای امنیت و دیوان لاهه، آن‌ها را واداشت که به سراغ متحد جدید خود در جنگ سرد، یعنی ایالات متحده آمریکا بروند.

طراحی کودتا در اتاق‌های تاریک سیا و ام‌آی‌سیکس

در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، همکاری نزدیک میان سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و سازمان اطلاعات خارجی بریتانیا (ام‌آی‌سیکس) آغاز شد. پروژه‌ای با نام رمز «آژاکس» طراحی شد که هدف آن، براندازی دولت قانونی مصدق و بازگرداندن شاه فراری به سلطنت مطلقه بود.

کارگردان اصلی عملیات، کرمیت روزولت، نوه تئودور روزولت و مأمور ارشد سیا در خاورمیانه بود. او مستقیماً به تهران آمد، با دربار، نظامیان و برخی روحانیون سنتی هماهنگ شد، و با بودجه‌ای قابل توجه (حدود یک میلیون دلار در آن زمان)، پروژه براندازی را پیش برد.

۲۵ تا ۲۸ مرداد؛ سه روز سرنوشت‌ساز

در روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، اولین تلاش برای کودتا شکست خورد و شاه مجبور به فرار از کشور شد. اما دو روز بعد، در ۲۸ مرداد، با بسیج نیروهای نظامی، اراذل و اوباش اجیر شده، و سردرگمی عمومی، دولت مصدق سرنگون شد. رادیو به تصرف نیروهای کودتاگر درآمد، خانه نخست‌وزیر غارت شد، و نظامیانی وفادار به شاه، عملاً کنترل کشور را در دست گرفتند.

بازگشت شاه؛ آغاز یک وابستگی مطلق

محمدرضا شاه پس از کودتا، با حمایت آشکار آمریکا به کشور بازگشت. او از آن پس، پایه‌های حکومت خود را نه بر رضایت مردم، بلکه بر پشتیبانی غرب، به ویژه ایالات متحده استوار کرد. در طول دهه‌های بعد، کمک‌های نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی آمریکا، ستون فقرات سلطنت پهلوی را تشکیل داد.

تأسیس ساواک؛ هدیه سیا به شاه

در سال ۱۳۳۵، تنها دو سال پس از کودتا، با آموزش و مشاوره

سفارتخانه یا ستاد فرماندهی؟

قدرت پنهان در خیابان تخت جمشید

در دوران سلطنت محمدرضا شاه، سفارت ایالات متحده در تهران تنها یک نمایندگی دیپلماتیک نبود؛ مرکزی بود برای طراحی، هماهنگی و هدایت سیاست‌های کلان حکومت پهلوی. آنچه در نگاه اول روابط دوجانبه به نظر می‌رسید، در واقع نوعی «فرمانبری ساختاریافته» از سوی دستگاه حاکمه ایران بود.

پس از کودتا؛ تثبیت نقش آمریکا در ساختار سیاسی ایران

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغازگر فصلی جدید در روابط ایران و آمریکا شد. واشنگتن که با براندازی دولت ملی مصدق نقش مؤثری در بازگرداندن شاه ایفا کرده بود، از آن پس خود را محق به نظارت و هدایت مستقیم امور داخلی ایران می‌دانست. سفارت آمریکا نه تنها در روابط دیپلماتیک، بلکه در تصمیمات اقتصادی، نظامی، امنیتی و حتی فرهنگی کشور نقش مؤثر ایفا می‌کرد.

مکاتبات محرمانه، جلسات غیررسمی

بنا بر اسناد منتشرشده در کتاب‌های تاریخ دیپلماسی و همچنین آرشیوهای رسمی ایالات متحده، سفیر آمریکا در تهران معمولاً با شاه، نخست‌وزیر و وزرای کلیدی جلسات هفتگی یا روزانه برگزار می‌کرد. در برخی مقاطع حساس، مانند تصویب بودجه نظامی یا قراردادهای نفتی، متن اولیه پیشنهادها در سفارت آمریکا تدوین می‌شد و تنها برای تأیید نهایی به دولت ایران ابلاغ می‌گردید.

نمونه‌های بارز دخالت: از کاپیتولاسیون تا اصلاحات ارضی

دو نمونه مهم از تأثیر مستقیم سفارت آمریکا بر سیاست داخلی ایران، ماجرای «اصلاحات ارضی» در قالب برنامه انقلاب سفید، و تصویب قانون تحقیرآمیز «کاپیتولاسیون» بود.

- در اصلاحات ارضی، کارشناسان آمریکایی مستقر در سفارت نقش محوری در طراحی، ارزیابی و اجرای طرح داشتند.

- در قانون کاپیتولاسیون (۱۳۴۳)، به اتباع آمریکایی مصونیت قضایی داده شد؛ موضوعی که مخالفت شدید روحانیون، به‌ویژه امام خمینی، را برانگیخت. این قانون عملاً نشان داد حاکمیت ملی زیر سایه سفارت آمریکا قرار دارد.

نفوذ اطلاعاتی؛ وقتی ساواک هم گزارش می‌داد

ساواک، سازمان امنیتی مخوف رژیم شاه، نه تنها با کمک آمریکا تأسیس شده بود، بلکه در بسیاری از موارد، اطلاعات خود را به افسران رابط در سفارت ارائه می‌داد. به بیان دیگر، آمریکا به‌طور موازی هم با دولت و هم با دستگاه‌های اطلاعاتی ایران در تماس مستمر بود.

سفارت، محل رجوع نخبگان و مقام‌ها

گزارش‌های متعدد نشان می‌دهند که بسیاری از وزراء، مدیران ارشد، فعالان اقتصادی و حتی روشنفکران نزدیک به دربار، پیش از اجرای



برنامه‌های خود با سفارت مشورت می‌کردند. برای برخی پست‌های حساس، تأیید یا عدم مخالفت سفارت آمریکا، یک شرط نانوشته برای انتصاب تلقی می‌شد.

وابستگی تصمیم‌سازی؛ از نشانه تا بحران

حضور پررنگ آمریکا در سیاست‌گذاری ایران نه تنها استقلال کشور را زیر سؤال برد، بلکه زمینه‌ساز شکاف شدید میان حکومت و ملت شد. افکار عمومی، که به‌مرور متوجه این وابستگی شدند، رژیم شاه را ابزار بیگانگان می‌دانستند. این احساس تحقیر، در کنار فساد و سرکوب داخلی، زمینه‌ساز خیزش انقلابی شد.

انقلاب اسلامی؛ پاسخ تاریخی به دخالت سفارت آمریکا

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، یکی از مهم‌ترین شعارهای مردم «مرگ بر آمریکا» بود. تسخیر سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸ توسط دانشجویان پیرو خط امام، در واقع پاسخی تاریخی به دهه‌ها دخالت سیاسی، امنیتی و اقتصادی این کشور در ایران تلقی می‌شد.

منابع:

۱. حسین شهیدزاده، دیپلماسی پنهان آمریکا در ایران.
۲. نصرت‌الله تاجیک، روابط ایران و آمریکا؛ از وابستگی تا تقابل.

گزارش‌های متعدد نشان می‌دهند که بسیاری از وزراء، مدیران ارشد، فعالان اقتصادی و حتی روشنفکران نزدیک به دربار، پیش از اجرای برنامه‌های خود با سفارت مشورت می‌کردند. برای برخی پست‌های حساس، تأیید یا عدم مخالفت سفارت آمریکا، یک شرط نانوشته برای انتصاب تلقی می‌شد.



انقلاب سفید؛ اصلاحاتی برای وابستگی

ریشه‌های آمریکایی طرح

در نهایت، نه عدالت اجرا شد، نه استقلال اقتصادی تقویت گردید.

سپاه دانش؛ آموزش یا تبلیغ نظام؟

تشکیل سپاه دانش از دیگر محورهای انقلاب سفید بود که با الگوبرداری از برنامه‌های صلح‌آمیز آمریکا اجرا شد. این نیروها، بیشتر به‌جای آموزش واقعی، به تبلیغ دستاوردهای شاه و تضعیف جریان‌های مذهبی و ملی‌گرا در روستاها می‌پرداختند. بسیاری از آنان فاقد آموزش حرفه‌ای بودند و کارکرد تبلیغاتی آن‌ها بر اهداف آموزشی پیشی گرفت.

مخالفت علما و مردم؛ آغاز درگیری مستقیم

اجرای انقلاب سفید با مخالفت شدید مراجع دینی، به‌ویژه امام خمینی (ره) مواجه شد. ایشان، این اصلاحات را تحمیلی، استعماری و فاقد مبنای دینی دانستند.

انقلاب سفید باهدف اصلی تحکیم پایه‌های رژیم شاه و جلوگیری از گسترش نیروهای انقلابی و اسلامی طراحی شده بود. در عمل، این اصلاحات بیش از آن که به نفع مردم باشد، به ابزار کنترل، تبلیغات و وابسته‌سازی ساختار اقتصادی ایران به غرب تبدیل شد.

پیامدها؛ وابستگی بیشتر، نارضایتی شدیدتر

ده سال پس از اجرای انقلاب سفید، ایران با بحران‌های شدید اقتصادی، افزایش مهاجرت روستاییان، رشد فقر شهری، و سرکوب سیاسی روبه‌رو شد. مردم به این نتیجه رسیدند که «اصلاحات شاهانه» چیزی جز سرپوشی بر وابستگی و ظلم نیست.

منابع:

۱. جلال آل‌احمد، در خدمت و خیانت روشنفکران.
۲. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، جلد اول تا سوم.

انقلاب سفید باهدف اصلی تحکیم پایه‌های رژیم شاه و جلوگیری از گسترش نیروهای انقلابی و اسلامی طراحی شده بود. در عمل، این اصلاحات بیش از آن که به نفع مردم باشد، به ابزار کنترل، تبلیغات و وابسته‌سازی ساختار اقتصادی ایران به غرب تبدیل شد.

انقلاب سفید، در ظاهر یک برنامه گسترده برای نوسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بود، اما واقعیت این بود که بسیاری از این سیاست‌ها، در چارچوب «استراتژی مهار کمونیسم» آمریکا در خاورمیانه تعریف می‌شد. آمریکا که بیم آن داشت نارضایتی توده‌های مردم به گرایش‌های چپ و شوروی ختم شود، با تشویق شاه به انجام اصلاحات کنترل‌شده، تلاش کرد رضایت عمومی را با ظاهر فریبنده نوسازی جلب کند.

۶ اصل اولیه؛ ابزاری برای مشروعیت‌بخشی

در بهمن ۱۳۴۱، شاه با تبلیغات گسترده، همه‌پرسی «انقلاب سفید» را برگزار کرد و آن را رأی «ملت» معرفی نمود. این برنامه شامل شش اصل اولیه بود:

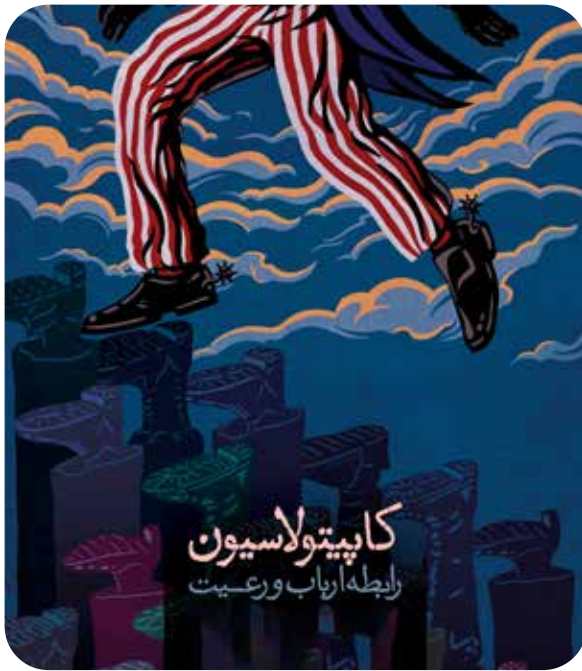
۱. اصلاحات ارضی
۲. ملی کردن جنگل‌ها
۳. فروش سهام کارخانه‌ها به کارگران
۴. سهم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها
۵. اصلاح نظام انتخاباتی
۶. ایجاد سپاه دانش

در ظاهر، این اصول جنبه‌ای عدالت‌محور و مردمی داشت، اما در عمل، فاقد زیرساخت، برنامه‌ریزی علمی و عدالت واقعی بود.

اصلاحات ارضی؛ شکست در اجرای عدالت

یکی از پر سر و صداترین بخش‌های انقلاب سفید، اصلاحات ارضی بود. شاه با تبلیغات فراوان، اعلام کرد که زمین‌های اربابان را بین دهقانان تقسیم خواهد کرد. اما در عمل:

- بسیاری از زمین‌داران بزرگ، پیشاپیش دارایی خود را به نزدیکان منتقل کردند.
- دهقانان زمین‌دار شده، فاقد امکانات تولیدی و وام لازم برای بهره‌برداری بودند.
- الگوی کشاورزی سنتی از هم پاشید، و وابستگی به واردات مواد غذایی افزایش یافت.



کاپیتولاسیون؛ تحقیر ملت در لباس قانون

وقتی شاه حاکمیت ملی را به پای آمریکا قربانی کرد

در سال ۱۳۴۳، خبری از درون مجلس شورای ملی به بیرون درز کرد که جامعه مذهبی، دانشگاهی و انقلابی ایران را بهت زده ساخت: دولت شاهنشاهی با حمایت آشکار آمریکا، قانونی را تصویب کرده بود که به موجب آن، اتباع آمریکایی در ایران از پیگرد قضایی معاف می شدند. این قانون که به «کاپیتولاسیون» معروف شد، نماد روشن و آشکار وابستگی و تحقیر حاکمیت ملی ایران بود.

کاپیتولاسیون چیست؟

کاپیتولاسیون به معنی «مصونیت قضایی» اتباع یک کشور خارجی در خاک کشور میزبان است؛ یعنی اگر شهروند آمریکایی در ایران جرمی مرتکب می شد، دولت ایران حق محاکمه او را نداشت و تنها دادگاه های نظامی آمریکا در ایران می توانستند رسیدگی کنند.

این نوع امتیاز پیش از انقلاب مشروطه نیز به قدرت های استعماری داده می شد، اما پس از آن به تدریج حذف گردید. بازگشت مجدد آن در سال ۱۳۴۳، نشانه ای از تسلط کامل سیاسی ایالات متحده بر ارکان تصمیم گیری در ایران بود.

پشت پرده تصویب کاپیتولاسیون

در دهه ۴۰ شمسی، ایران به محل عبور و استقرار هزاران نیروی نظامی و کارشناسان آمریکایی تبدیل شده بود. دولت آمریکا خواستار تضمین امنیت قضایی نیروهای خود در ایران شد. لایحه مربوطه با عنوان رسمی «مصونیت مستشاران نظامی آمریکا در ایران» در دولت اسدالله علم تدوین، و در مهر ۱۳۴۳ با حمایت محمدرضا شاه در مجلس به تصویب رسید.

اما لحن مبهم، محرمانه و نحوه اجرای لایحه، آشکارا حاکی از تمایل شاه به پنهان نگه داشتن آن از چشم مردم و نخبگان بود.

واکنش تاریخی امام خمینی

یکی از صریح ترین، کوبنده ترین و مؤثرترین واکنش ها به این قانون، سخنرانی تاریخی امام خمینی (ره) در تاریخ ۴ آبان ۱۳۴۳ بود. ایشان با صراحت گفت: اگر کسی یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست می شود، اما اگر یک آشپز آمریکایی شاه را زیر بگیرد، کسی حق ندارد او را محاکمه کند! ملت ایران را تحقیر کردند!

با سخنرانی امام، موجی از اعتراضات در حوزه های علمیه، بازار، دانشگاه ها و میان روشنفکران شکل گرفت. کاپیتولاسیون به

نماد وابستگی، تحقیر و سلطه تبدیل شد. بسیاری آن را لحظه ای تعیین کننده در عبور کامل مردم از نظام شاهنشاهی دانستند.

از کاپیتولاسیون تا انقلاب

اگرچه در آن زمان شاه موفق شد با سرکوب و اکنش ها، اجرای قانون را حفظ کند، اما این ماجرا نقطه عطفی در شکل گیری روحیه ضد آمریکایی و ضدسلطه در انقلاب اسلامی بود. شعار «مرگ بر آمریکا» بعدها نه از روی نفرت کور، بلکه برآمده از حافظه تاریخی ملت نسبت به تحقیرهایی چون کاپیتولاسیون بود.

پس از انقلاب؛ بازگشت عزت ملی

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، نخستین تصمیم های انقلابیون، لغو تمام امتیازات سیاسی و قضایی کشورهای خارجی در ایران بود. حاکمیت ملی و استقلال حقوقی کشور به طور کامل بازگردانده شد. پرونده کاپیتولاسیون، برای همیشه بسته شد؛ اما زخم آن، تبدیل به یکی از ستون های هویت ساز انقلاب شد.

منابع:

۱. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب.
۲. سعید شعاعی نژاد، تحلیل تاریخی روابط ایران و آمریکا.

دولت آمریکا خواستار تضمین امنیت قضایی نیروهای خود در ایران شد. لایحه مربوطه با عنوان رسمی «مصونیت مستشاران نظامی آمریکا در ایران» در دولت اسدالله علم تدوین، و در مهر ۱۳۴۳ با حمایت محمدرضا شاه در مجلس به تصویب رسید.



تأثیر افشاگری اسناد لانه جاسوسی آمریکا بر جامعه ایران

افشاگری اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا در تهران، یکی از مهم ترین اقدامات اطلاعاتی و رسانه‌ای پس از انقلاب اسلامی ایران بود. این اسناد که شامل هزاران صفحه اطلاعات محرمانه، گزارش‌های دیپلماتیک، مکاتبات داخلی و تحلیل‌های سیاسی بودند، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش عمومی نسبت به سیاست‌های آمریکا و تقویت گفتمان ضد استکباری در ایران داشتند. تأثیرات اجتماعی این افشاگری‌ها را می‌توان در چند محور بررسی کرد:

۱. افزایش آگاهی عمومی نسبت به دخالت‌های خارجی
انتشار اسناد سفارت آمریکا موجب شد تا مردم ایران به‌طور مستقیم با ابعاد گسترده دخالت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایالات متحده در امور داخلی کشور آشنا شوند. این آگاهی عمومی، اعتماد به روایت‌های رسمی غرب را کاهش داد و موجب تقویت نگاه انتقادی نسبت به قدرت‌های جهانی شد. مردم دریافتند که سفارت‌خانه به مراکز جاسوسی و هدایت عملیات‌های پنهان تبدیل شده است.

۲. تقویت گفتمان ضد استکباری در جامعه

افشاگری‌ها، گفتمان ضد استکباری را که پیش‌تر در شعارهای انقلابی مطرح شده بود، مستند و ملموس کردند. اسناد نشان دادند که آمریکا نه تنها در دوران پهلوی نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور داشته، بلکه پس از انقلاب نیز تلاش‌هایی برای نفوذ و بی‌ثبات‌سازی ایران انجام داده است. این واقعیت‌ها موجب شد تا گفتمان مقاومت در برابر سلطه‌طلبی غرب، جایگاه پررنگ‌تری در فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران پیدا کند.

۳. تأثیر بر نهادهای فرهنگی و آموزشی

با انتشار اسناد، بسیاری از نهادهای فرهنگی و آموزشی کشور مأموریت یافتند تا محتوای این اسناد را بررسی، تحلیل و منتشر کنند. کتاب‌هایی مانند «اسناد لانه جاسوسی» در دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی توزیع شدند و به عنوان منابع آموزشی مورد استفاده قرار گرفتند. این اقدام موجب شد تا نسل جوان با تاریخچه دخالت‌های خارجی آشنا شود و نگاه انتقادی‌تری نسبت به روابط بین‌الملل پیدا کند.

۴. شکل‌گیری رسانه‌های مستقل و انقلابی

افشاگری اسناد، زمینه‌ساز شکل‌گیری رسانه‌هایی شد که مأموریت خود را در افشای حقایق پنهان و مقابله با جریان‌های سلطه‌طلب تعریف کردند. این رسانه‌ها با تمرکز بر تحلیل اسناد، مستندسازی و روایت‌گری تاریخی، نقش مهمی در شکل‌گیری فضای رسانه‌ای مستقل و انقلابی ایفا کردند. همچنین، اعتماد

عمومی به رسانه‌های داخلی افزایش یافت و مردم به منابع خبری بومی توجه بیشتری نشان دادند.

۵. تأثیر بر روابط اجتماعی و نگرش فرهنگی

افشاگری‌ها موجب تغییراتی در نگرش فرهنگی مردم نسبت به غرب شد. بسیاری از ایرانیان که پیش‌تر آمریکا را نماد پیشرفت و آزادی می‌دانستند، با مشاهده اسناد، تصویر متفاوتی از این کشور دریافتند. این تغییر نگرش در سبک زندگی، انتخاب‌های فرهنگی، و حتی در روابط اجتماعی بازتاب یافت. مردم با احتیاط بیشتری به تعامل با مظاهر فرهنگی غرب نگاه کردند و به تقویت هویت ملی و اسلامی خود پرداختند.

۶. نهادینه شدن مطالبه‌گری و شفافیت

انتشار اسناد لانه جاسوسی، فرهنگ مطالبه‌گری و شفافیت را در جامعه ایران تقویت کرد. مردم دریافتند که دسترسی به اطلاعات و آگاهی از پشت‌پرده تصمیم‌گیری‌ها، حق شهروندی آنان است. این نگرش موجب شد تا در سال‌های بعد، خواسته‌هایی مانند شفافیت در عملکرد نهادها، مبارزه با فساد و پاسخ‌گویی مسئولان، به مطالبات اجتماعی تبدیل شود.

منبع:

مجموعه اسناد لانه جاسوسی؛ ضرورت نگاه دوباره نویسنده؛ سید محمدحسین منظورالاجداد

اسناد نشان دادند که آمریکا نه تنها در دوران پهلوی نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور داشته، بلکه پس از انقلاب نیز تلاش‌هایی برای نفوذ و بی‌ثبات‌سازی ایران انجام داده است.



قطع ارتباط با اسرائیل؛ اعلام استقلال فراتر از مرزها

داخل کشور شد. این حرکت مورد استقبال گسترده روحانیت، نیروهای انقلابی و بخش‌های مختلف جامعه قرار گرفت و به یکی از نقاط مشترک وفاق ملی تبدیل گردید.

پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی

ایران در پی این تغییر سیاست، به یکی از مدافعان اصلی حقوق فلسطینیان تبدیل شد و در عرصه بین‌المللی نیز، با ورود به محور مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل، جایگاه مهمی یافت. این تغییر مسیر، باعث شد تا ایران به عنوان نیرویی مستقل و متفاوت از رژیم‌های وابسته در منطقه شناخته شود.

تأثیر فرهنگی و اجتماعی؛ شکل‌گیری گفتمان مقاومت

حمایت از فلسطین، تنها محدود به سیاست نبود؛ بلکه در ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز گفتمان مقاومت، عدالت‌خواهی و آزادی‌طلبی در جامعه ایران نهادینه شد. این گفتمان در ادبیات، هنر، رسانه‌ها و آموزش‌های رسمی حضور گسترده یافت و یکی از ارکان هویت انقلابی و ملی گردید.

استقلالی که فراتر از مرزها رفت

قطع رابطه با اسرائیل و حمایت از آرمان فلسطین، نمادی از استقلال واقعی ایران در حوزه سیاست خارجی بود؛ استقلالی که نه فقط از سلطه آمریکا و غرب رهایی یافت، بلکه به دنبال احقاق حقوق ملت‌های مظلوم منطقه نیز بود.

منابع:

۱. سید احمد خمینی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.
۲. محمدعلی کلانتری، تحولات سیاسی و منطقه‌ای ایران پس از انقلاب.

قطع رابطه با اسرائیل موجب تقویت احساس وحدت و هویت انقلابی در داخل کشور شد. این حرکت مورد استقبال گسترده روحانیت، نیروهای انقلابی و بخش‌های مختلف جامعه قرار گرفت و به یکی از نقاط مشترک وفاق ملی تبدیل گردید.

حمایت از فلسطین، صدای آزادی‌خواهی انقلاب اسلامی

یکی از نخستین اقدامات جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب، قطع کامل روابط دیپلماتیک و اقتصادی با رژیم اسرائیل بود. این حرکت نه فقط یک سیاست رسمی، بلکه بیانگر استقلال سیاسی و فرهنگی ایران در مواجهه با ساختارهای سلطه جهانی بود.

زمینه تاریخی؛ رابطه پشت پرده پهلوی با اسرائیل

در دوران پهلوی، به‌ویژه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، ایران روابطی با اسرائیل داشت که شامل همکاری‌های امنیتی، اقتصادی و نظامی بود. این روابط، برخلاف خواست اکثریت مردم و مراجع دینی، مخفیانه و برخلاف منافع ملی ایران تنظیم می‌شد. این پیوندها یکی از مظاهر وابستگی سیاسی رژیم پهلوی به آمریکا و متحدانش بود.

انقلاب اسلامی و تغییر نگاه به فلسطین

انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی (ره)، سیاست خارجی ایران را به سمت حمایت از حقوق ملت‌های تحت ستم و مبارزه با اشغالگری تغییر داد. در این چارچوب، مسئله فلسطین به محور اصلی سیاست منطقه‌ای ایران بدل شد و حمایت از آزادی فلسطین به یک خط قرمز تبدیل گردید.

قطع رابطه رسمی؛ یک اعلام استقلال

در بهمن ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ایران، به‌صورت رسمی و علنی، روابط سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی با اسرائیل را قطع کرد. این اقدام نشان‌دهنده تمایل جدی به:

- پایان دادن به سیاست‌های وابسته و همسویی با آمریکا و متحدانش
- حمایت از آرمان آزادی و حقوق فلسطینیان
- بازسازی هویت مستقل و منسجم در سیاست خارجی ایران بود

پیامدهای داخلی؛ وحدت ملی و هویت انقلابی

قطع رابطه با اسرائیل به عنوان نمادی از مقاومت در برابر سلطه خارجی، موجب تقویت احساس وحدت و هویت انقلابی در



بازسازی نهادهای سیاسی برای حفظ استقلال پس از انقلاب

- نفی سلطه خارجی
- حفظ تمامیت ارضی
- حق تعیین سرنوشت مردم

همه نشان‌دهنده تعهد نظام به استقلال واقعی بودند.

مبارزه بانفوذ و وابستگی در نهادها

نهادهای انقلابی باریشه‌کنی عوامل وابسته و پاک‌سازی ساختارهای قدیمی، مسیر استقلال را محکم کردند. همچنین، نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، با تلاش برای شناسایی و مقابله با شبکه‌های نفوذ خارجی، مانع بازگشت وابستگی شدند.

تقویت نهادهای مردم‌سالار و مشارکتی

ایجاد نهادهای مردمی مانند شوراهای اسلامی و تأکید بر مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها، از دیگر راهکارهای انقلاب برای تضمین استقلال بود. این ساختارها باعث شدند که تصمیم‌گیری‌ها از بالا به پایین تحمیل نشود و اراده واقعی مردم حاکم باشد.

نتیجه‌گیری: استقلال به ساختار نیاز دارد

بازسازی نهادهای سیاسی پس از انقلاب، پایه و اساس حفظ و گسترش استقلال سیاسی ایران شد. این نهادها نه تنها ساختارهای وابسته را جایگزین کردند، بلکه با طراحی نوین، راه را برای حکمرانی مستقل و پایدار هموار نمودند.

منابع:

۱. علی‌اکبر رشیدی، بازسازی نهادهای سیاسی در ایران پس از انقلاب.
۲. حسینعلی یزدانی خرم، نهادهای نوین جمهوری اسلامی.
۳. محمدحسین ملک‌زاده، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

از فروپاشی ساختار وابسته تا بنانهادن پایه‌های استقلال

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران با چالش بزرگی روبرو بود؛ چگونه ساختار سیاسی وابسته به نظام پهلوی را فرو ریخته و جایگزین‌هایی ایجاد کند که استقلال واقعی کشور را تضمین کند؟ بازسازی نهادهای سیاسی، گامی ضروری برای تحقق این هدف بود.

فروپاشی نهادهای وابسته به رژیم پهلوی

در دوران پهلوی، نهادهای مهم سیاسی و اجرایی کشور تحت سلطه قدرت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا قرار داشتند. ساختارهایی مانند:

- مجلس شورای ملی و سنا
- دستگاه‌های امنیتی و نظامی
- وزارتخانه‌ها و ادارات کلیدی

به‌گونه‌ای اداره می‌شدند که وابستگی عمیق به غرب و رژیم شاه داشتند و استقلال سیاسی ایران را به شدت محدود می‌کردند.

تشکیل نهادهای جدید؛ نمادی از استقلال

پس از انقلاب، با تأسیس نهادهای جدید و انقلابی، ایران مسیر تازه‌ای را آغاز کرد:

- **مجلس شورای اسلامی:** با نمایندگانی منتخب مردم و مبتنی بر ارزش‌های انقلاب
- **شورای نگهبان:** برای حفظ قانون اساسی و جلوگیری از نفوذ عناصر وابسته
- **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:** نهاد نظامی - انقلابی برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب
- **قوه قضائیه مستقل:** برای اجرای عدالت بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی

این نهادها، ساختار قدرت جدیدی را پایه‌گذاری کردند که هدفش حفظ استقلال سیاسی و تحقق اراده ملی بود.

نقش قانون اساسی در تضمین استقلال

قانون اساسی جمهوری اسلامی، به‌عنوان سند بنیادین کشور، تأکید ویژه‌ای بر استقلال سیاسی و اقتصادی داشت. اصولی مانند:

نهادهای انقلابی با ریشه‌کنی عوامل وابسته و پاک‌سازی ساختارهای قدیمی، مسیر استقلال را محکم کردند. همچنین، نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، با تلاش برای شناسایی و مقابله با شبکه‌های نفوذ خارجی، مانع بازگشت وابستگی شدند.



چالش‌های حفظ استقلال سیاسی پس از انقلاب

استقلال، آغاز مبارزه‌ای تازه

پروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه شروع بازپس‌گیری استقلال سیاسی بود، اما حفظ و تقویت این استقلال، چالشی بزرگ و مستمر برای نظام تازه‌تأسیس به شمار می‌رفت. استقلال واقعی تنها به قطع نفوذ بیگانگان محدود نمی‌شود؛ بلکه نیازمند ساختارهای قوی، سیاست‌های دقیق و اتحاد ملی است.

تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی؛ جنگ اقتصادی بی‌وقفه

یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه حفظ استقلال سیاسی، تحریم‌های اقتصادی گسترده‌ای بود که توسط آمریکا و متحدانش اعمال شد. این تحریم‌ها تلاش می‌کردند ایران را از بازارهای جهانی جدا کرده و به زانو درآورند، اما مقاومت داخلی و خودکفایی نسبی در برخی صنایع، مانع فروپاشی کامل اقتصاد شد.

جنگ تحمیلی؛ آزمونی سخت برای استقلال

جنگ ۸ ساله ایران و عراق که توسط حمایت‌های قدرت‌های خارجی از عراق شکل گرفت، بزرگ‌ترین تهدید امنیتی برای استقلال ایران بود. این جنگ نه تنها جان هزاران ایرانی را گرفت؛ بلکه به منابع مالی و انسانی کشور فشار سنگینی وارد کرد و حفظ استقلال سیاسی را به چالشی حیاتی تبدیل نمود.

تهدیدات نفوذ و جاسوسی خارجی

با وجود تلاش برای حذف نفوذ بیگانگان، فعالیت‌های جاسوسی و نفوذ فرهنگی و سیاسی خارجی همچنان ادامه داشت. شبکه‌های اطلاعاتی بیگانه سعی در نفوذ به نهادهای داخلی و ایجاد تفرقه در جامعه داشتند که نیازمند هوشیاری و اقدامات امنیتی قوی بود.

اختلافات داخلی و آسیب به اتحاد ملی

حفظ استقلال سیاسی نیازمند وحدت در داخل کشور است. پس از انقلاب، اختلافات سیاسی و جناحی گاه‌وبی‌گاه به چالشی برای انسجام ملی تبدیل می‌شد و دشمنان خارجی از این شکاف‌ها برای تضعیف ایران بهره‌برداری می‌کردند.

وابستگی اقتصادی پنهان؛ چالش ماندگار

با وجود تلاش‌ها برای خودکفایی، ایران هنوز تا حدی به واردات کالاهای اساسی و تکنولوژی‌های پیشرفته خارجی وابسته بود. این وابستگی اقتصادی، یک نقطه ضعف برای استقلال سیاسی باقی ماند که نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و توسعه صنعتی بود.

ضرورت دیپلماسی فعال و هوشمند

در دنیای پیچیده امروز، حفظ استقلال سیاسی بدون تعامل و دیپلماسی هوشمندانه ممکن نیست. ایران باید ضمن حفظ اصول استقلال، با کشورها و بلوک‌های مختلف تعامل متوازن و سازنده باشد تا بتواند منافع ملی خود را در عرصه بین‌المللی حفظ کند.

نتیجه‌گیری؛ حفظ استقلال، مسئولیتی مستمر

استقلال سیاسی، هدفی است که پس از انقلاب به دست نیامد؛ بلکه شروع شد. برای حفظ و توسعه آن، نیاز به مقاومت، هوشمندی و اتحاد ملی دارد. چالش‌های متعددی در این مسیر وجود دارد که باید با تکیه بر ارزش‌های انقلاب و همکاری همه‌جانبه از آن عبور کرد.

منابع:

۱. محمدرضا شهبازی، چالش‌های سیاسی پس از انقلاب.

۲. سید محمود علوی، امنیت ملی و استقلال ایران.

حفظ استقلال سیاسی نیازمند وحدت در داخل کشور است. پس از انقلاب، اختلافات سیاسی و جناحی گاه‌وبی‌گاه به چالشی برای انسجام ملی تبدیل می‌شد و دشمنان خارجی از این شکاف‌ها برای تضعیف ایران بهره‌برداری می‌کردند.



نقش مردم در بازسازی عتبات عالیات

نمی‌شود، بلکه موجب تقویت سرمایه اجتماعی و همبستگی امت اسلامی نیز شده است. هنگامی که یک خانواده روستایی بخشی از درآمد خود را برای توسعه حرم امام حسین (ع) اختصاص می‌دهد، پیوند روحی میان آنان و این مکان مقدس عمیق‌تر می‌گردد. این مشارکت، نسل‌های جوان را نیز با فرهنگ خدمت به اهل‌بیت (ع) آشنا کرده و آنان را در مسیر عشق و ولایت تربیت می‌کند.

۴. ابعاد معنوی و الهی

مردم این خدمات را با نیت قربت الی الله انجام می‌دهند. نذورات و مشارکت‌ها رنگ‌وبوی معنوی دارند و هر فرد احساس می‌کند بخشی از وجودش در آجرها و سنگ‌های حرم جاودانه شده است. همین باور، بازسازی عتبات را از یک پروژه عمرانی صرف، به یک حرکت عظیم معنوی و فرهنگی تبدیل کرده است.

۵. نماد وحدت و مقاومت

در شرایطی که دشمنان اسلام همواره در تلاش برای ایجاد تفرقه میان ملت‌ها هستند، پروژه‌های بازسازی عتبات، به برکت حضور مردمی، به نمادی از وحدت شیعیان و مسلمانان تبدیل شده‌اند. حضور مشترک ایرانیان، عراقی‌ها و دیگر ملت‌های مسلمان در این مسیر، نه تنها محبت به اهل‌بیت (ع) را تقویت کرده، بلکه به همگرایی و همدلی امت اسلامی نیز یاری رسانده است.

بی‌تردید، نقش مردم در بازسازی عتبات عالیات، جلوه‌ای از عشق و ایمان قلبی آنان به اهل‌بیت (ع) است. اگر امروز صحن‌ها و رواق‌های نورانی حرم‌ها با شکوهی بی‌نظیر پذیرای زائران هستند، این شکوه را باید مرهون همت و دلدادگی میلیون‌ها دل عاشق دانست.

در شرایطی که دشمنان اسلام همواره در تلاش برای ایجاد تفرقه میان ملت‌ها هستند، پروژه‌های بازسازی عتبات، به برکت حضور مردمی، به نمادی از وحدت شیعیان و مسلمانان تبدیل شده‌اند.

بازسازی و توسعه عتبات عالیات، به‌ویژه حرم‌های مطهر امام حسین (ع)، حضرت عباس (ع)، امام علی (ع) و دیگر ائمه اطهار (ع) در عراق، یکی از بزرگ‌ترین حرکت‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی دوران معاصر به شمار می‌آید. آنچه بیش از همه بر عظمت و شکوه این جریان افزوده، نقش بی‌بدیل مردم در شکل‌گیری و استمرار آن است.

از نخستین روزهای آغاز طرح توسعه عتبات، نیکوکاران و دلدادگان اهل‌بیت (ع) باندرها، کمک‌های مالی کوچک و بزرگ، و مشارکت‌های معنوی، جان تازه‌ای به این حرکت بخشیدند. در ادامه، به برخی ابعاد این امر مقدس اشاره می‌شود:

۱. مشارکت مالی و نذورات

بخش قابل توجهی از هزینه‌های بازسازی، توسعه و حتی نگهداری اماکن مقدس از طریق کمک‌های مردمی تأمین شده است. این کمک‌ها نه تنها از سوی سرمایه‌داران و خیرین بزرگ، بلکه از جانب مردم عادی، کارگران و کشاورزان نیز بوده که هر یک به اندازه توان خود در این مسیر سهیم شده‌اند. این گستردگی و تنوع مشارکت، نشان‌دهنده پیوند عمیق قلبی مردم با اهل‌بیت (ع) است. در واقع، مشارکت مردمی در بازسازی عتبات، ادامه سنت دیرینه وقف و نذر در فرهنگ اسلامی است؛ فرهنگی که همواره مردم را در کنار حکومت و علما، در خدمت به مقدرات قرار داده است.

۲. مشارکت تخصصی و نیروی انسانی

جمع زیادی از مهندسان، معماران، هنرمندان، طراحان و استادکاران ایرانی و عراقی، با انگیزه‌ای خالصانه و گاه بدون هیچ چشمداشت مالی، دانش و مهارت خود را وقف این مسیر کرده‌اند. هنرهای اصیل ایرانی همچون کاشی‌کاری، گچ‌بری، خطاطی و معماری اسلامی، با دستان همین استادکاران مردمی در صحن‌ها و رواق‌های حرم‌ها جلوه‌گر شده‌اند.

۳. آثار اجتماعی و فرهنگی

حضور مردم در این پروژه، تنها به بازسازی فیزیکی محدود



گفت‌وگویی صمیمانه با دکتر علیرضا رجبی؛

جانشین معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه و رئیس ستاد عالی چهارمین کنگره فرهنگ و هنر سپاه

و اسلامی است. به بیان کوتاه، این برنامه آینه قدرت فرهنگی سازمان است.

سؤال: بر روی پوستر کنگره عنوان «چهارمین کنگره فرهنگ و هنر سپاه» نوشته شده، اما گویا ریشه‌ها و فعالیت‌های آن بسیار قدیمی‌تر است. کمی از تاریخچه این کنگره برای خوانندگان بفرمایید.

درست است. این کنگره ریشه در سال ۱۳۹۰ دارد، ابتدا با بخش شعر و جشنواره فرهنگی هنری آغاز شد و به‌مرور، بخش‌های علمی، رسانه‌ای و دیگر حوزه‌ها به آن اضافه گردید. از سال ۱۳۹۷ با رویکردی جدید، چندین رویداد به‌طور همزمان و ذیل عنوان واحد «کنگره فرهنگ و هنر» برگزار می‌شود. مأموریت اصلی آن **ترویج و توسعه ارزش‌های اسلامی و انقلابی** در میان جامعه هدف (سپاه و پاسداران) و یا به عبارتی بهتر؛ ترویج و توسعه **فرهنگ پاسداری** است در این سال‌ها، علاوه بر ۱۴ کنگره فرهنگیان شاعر و ۱۳ جشنواره فرهنگی و هنری، دو همایش تخصصی فعالان فضای مجازی، یک جشنواره میهن ویژه خواهران شاغل، و برنامه‌هایی برای شاعران، نویسندگان، هنرمندان حوزه‌های مختلف، فعالان میدان و جهاد تبیین، ایده‌پردازان و کنشگران مجازی برگزار شده که به‌طور واقعی باعث **جریان‌سازی فرهنگی در سپاه** شده است.

سؤال: لطفاً کمی هم از برنامه امسال برایمان بگویید. این دوره چه رویدادهایی دارد و چه کسانی می‌توانند در آن شرکت کنند؟

امسال کنگره فرهنگ و هنر شامل شش رویداد است:

۱. چهاردهمین کنگره فرهنگیان شاعر
۲. سیزدهمین جشنواره فرهنگی هنری
۳. سومین همایش فرهنگیان فعال در فضای مجازی
۴. دومین همایش تخصصی میهن
۵. اولین همایش فرهنگیان نویسنده
۶. اولین همایش «بهترین امت»

چهارمین کنگره فرهنگ و هنر سپاه، با پیشنهادی بیش از ۵ سال فعالیت و برگزاری رویدادهای متنوع در حوزه‌های شعر، هنر، نویسندگی، رسانه و ایده‌پردازی، امسال نیز پرشورتر از گذشته در حال برگزاری است. این کنگره که سابقه آغاز آن به سال ۱۳۹۷ بازمی‌گردد، میدان بروز استعدادهای فرهنگیان سپاه و تجلی هنر انقلابی بوده و توانسته است نقش مهمی در تبیین، ترویج و گسترش مفاهیم و ارزش‌های اسلامی و انقلابی ایفا کند. از برپایی جشنواره‌های فاخر گرفته تا همایش‌های تخصصی، از گردهم‌آیی شاعران و نویسندگان متعهد تا میدان‌داری فعالان فضای مجازی و عرصه میدانی، همه و همه نشان می‌دهد که این کنگره فرصتی راهبردی برای نمایش قدرت نرم و ظرفیت‌های عظیم فرهنگی سپاه است. به همین مناسبت در گفت‌وگویی صمیمانه با دکتر علیرضا رجبی جانشین معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه و رئیس ستاد عالی چهارمین کنگره فرهنگ و هنر سپاه، به بررسی اهداف، برنامه‌ها، محورهای محتوایی و تفاوت‌های این دوره با ادوار گذشته پرداخته ایم.

سؤال: جناب آقای دکتر رجبی، با شکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشته‌اید از اهداف و ضرورت برگزاری چهارمین دوره «کنگره فرهنگ و هنر سپاه» بفرمایید.

پاسخ: یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های معاونت فرهنگ و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه، توانمندسازی فرهنگیان در عرصه‌های متنوع فرهنگی، تبلیغی، هنری، ادبی و رسانه‌ای است. ما به این سرمایه انسانی ارزشمند به چشم یک گنجینه نگاه می‌کنیم و می‌خواهیم توان و ظرفیت آن‌ها را در نبرد فرهنگی به کار بگیریم. بحمدالله این برنامه از باسابقه‌ترین و تخصصی‌ترین برنامه‌های معاونت فرهنگی و تبلیغات بوده و سالانه تعداد کثیری از فرهنگیان سپاه در آن حضور فعال دارند. در سال ۱۴۰۴ نزدیک به پنج هزار نفر از فرهنگیان فعال فرهنگی، هنری، ادبی و فعالان فضای مجازی به تولید و انتشار آثار مؤثر پرداخته و آماده حضور در کنگره چهارم هستند. استقبال بی‌نظیر این عزیزان، نشان‌دهنده اشتیاق فرهنگیان سپاه برای نقش‌آفرینی در ترویج اندیشه‌ها، ارزش‌ها و اصول انقلابی

بله از ابتدای سال جاری ما برنامه‌ریزی برای ۶ رویداد بزرگ در حوزه‌های شعر، نویسندگی، هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی و آوایی، فعالیت‌های فضای مجازی و ایده‌پردازی، و اقدامات میدانی را آغاز کردیم. نکته مهم این است که این رویدادها به طور ویژه با مشارکت و توانمندی خواهران شاغل در سازمان شکل می‌گیرد، و هر کدام از این رویدادها در قالب همایش‌ها و جشنواره‌های موضوعی برگزار می‌شوند. برای هدایت و مدیریت صحیح این رویدادها، یک دبیرخانه متمرکز راه‌اندازی کرده‌ایم. این دبیرخانه دقیقاً همان جایی است که همه داده‌ها، آثار، ایده‌ها و مستندات به آن وارد می‌شود. بعد، با ساختاری سازمان‌یافته، این آثار ثبت، پالایش و به مسیر داوری یا پشتیبانی لازم هدایت می‌شوند. هدف ما فقط جمع‌آوری اثر نیست، بلکه ارتقای کیفیت و هدایت هدفمند ظرفیت‌هاست.

سؤال: بفرمایید ستاد عالی کنگره چه نقشی دارد؟

ستاد عالی به‌نوعی مغز راهبری کل کنگره است. از ابتدای سال، با تقویم مشخص، موضوعات را پیگیری کرده و به‌صورت نوبه‌ای، هر حوزه را فعال می‌کند. این باعث می‌شود که جریان فرهنگی ما نه مقطعی، بلکه پیوسته و زنده باشد.

سؤال: به نظر شما چرا این کنگره اهمیت راهبردی دارد؟

ببینید، ما این کنگره را صرفاً یک برنامه فرهنگی نمی‌بینیم، بلکه آن را فرصتی برای نمایش سرمایه فرهنگی، هنری و ادبی سپاه می‌دانیم. اینجاست که استعدادها به صحنه می‌آیند، ایده‌ها به تولید می‌رسند و هویت فرهنگی سپاه بازتاب می‌یابد. به همین دلیل، این حرکت برای ما نه تنها اجرای یک برنامه، بلکه اقدامی راهبردی و اثرگذار است. این رویدادها، مسیری است که از دل فرهنگ و هنر می‌گذرد و به تقویت سرمایه اجتماعی و همبستگی سازمانی در درون و بیرون سپاه ختم می‌شود.

سؤال: آیا برای منتخبان کنگره تشویقاتی پیش‌بینی شده؟

بله از بهترین آثار در هر رویداد و رشته تقدیر خواهد شد. اختتامیه امسال ان‌شاءالله باشکوه‌تر از همیشه خواهد بود. یادمان نرود که جوهره کار ما انسجام‌بخشی به صنوف مختلف فرهنگیان سپاه و هدایت آن‌ها به سمت تولید گفتمان فرهنگی با تأکید بر عمل فرهنگی مؤثر و خلق اثر فرهنگی، هنری و ادبی است. ما می‌خواهیم ظرفیت‌های فرهنگی سپاه را به قدرت نرم تبدیل کنیم تا ضریب نفوذ فرهنگی در جامعه‌سازمانی و البته در سطح ملی و بین‌المللی چندبرابر شود.

شعار کنگره عبارت است از: «پاسدار فرهنگی، علوی و فاطمی؛ مجاهد، امیدآفرین و تمدن‌ساز»، درعین حال ما بر ۱۰ محور کلیدی به عنوان محورهای فراخوان آثار، تمرکز کرده‌ایم

این تنوع به ما کمک می‌کند افراد با توانمندی‌های گوناگون حضور پیدا کنند و آثار فاخر اسلامی - انقلابی خلق شود. شرکت برای عموم پاسداران، اعم از خواهران و برادران با همه نوع عضویت و البته سربازان وظیفه آزاد است. هدف هم روشن است: رساندن پیام دشمن‌ستیزی و مقابله با جنگ روانی دشمن، با زبان فرهنگ و هنر، به قلب جامعه.

سؤال: شعار کنگره چیست و محورهای محتوایی این دوره چه مواردی را شامل می‌شود؟

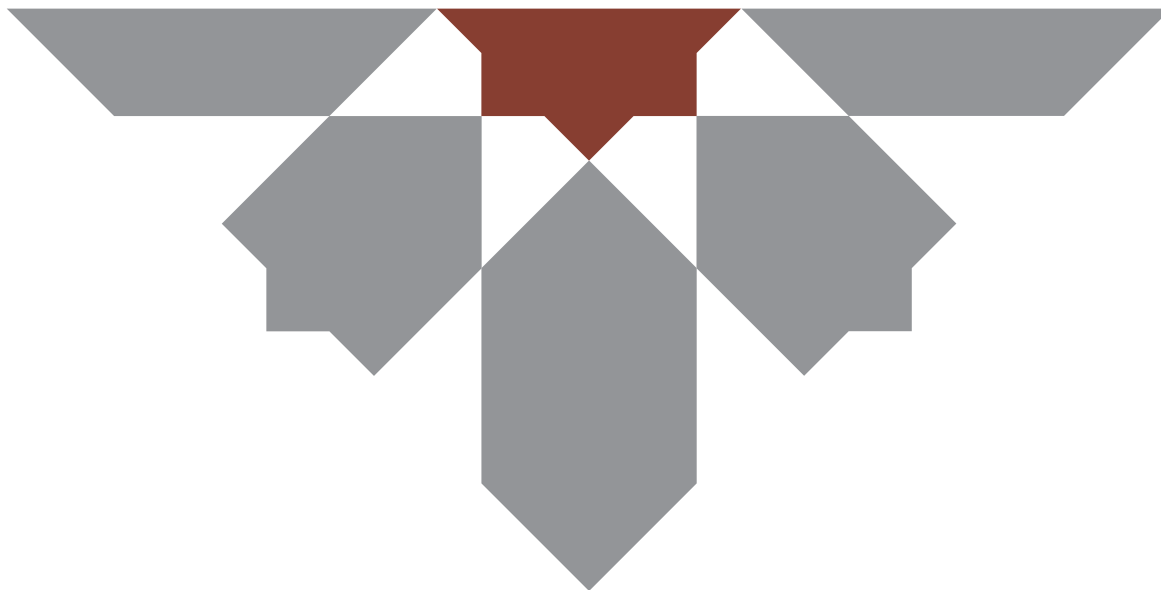
شعار کنگره عبارت است از: «پاسدار فرهنگی، علوی و فاطمی؛ مجاهد، امیدآفرین و تمدن‌ساز»، درعین حال ما بر ۱۰ محور کلیدی به عنوان محورهای فراخوان آثار، تمرکز کرده‌ایم که عبارتند از:

- نهج‌البلغه؛ چراغ راه هدایت، تبیین گرسبک زندگی دینی
 - مهدویت و انتظار؛ امیدآفرین و محرک در گام دوم انقلاب
 - سپاه، خدمت‌رسان، امنیت‌ساز و عزت‌آفرین
 - زن مسلمان؛ مؤمن، عفیف، ارزش‌مدار و متشخص
 - خانواده؛ محور تمدن ایرانی - اسلامی (ازدواج، فرزندآوری، رسالت مادری، تکریم خانواده)
 - ایران اسلامی مقتدر؛ انسجام ملی، وحدت کلمه، امید به آینده
 - مقاومت و استکبارستیزی؛ ره‌آورد فرهنگ عاشورا و بستر ساز افول صهیونیسم
 - امر به معروف و نهی از منکر؛ زمینه‌ساز جامعه و امت برتر
 - شهدای اقتدار، میهن‌دوستی و دفاع از وطن
 - دفاع مقتدرانه ملت ایران و پیروزی در جنگ تحمیلی
 - استکبار جهانی علیه ایران
- این موضوعات به ما اجازه می‌دهد در همه سطوح به تعمیق معارف انقلابی، روحیه جهادی و بصیرت دینی بپردازیم.

سؤال: تفاوت‌های این دوره با دوره‌های گذشته چیست؟

نگاه تخصصی معاونت فرهنگی و تبلیغات همیشه باعث پویایی در هر دوره شده است. امسال نیز جزئیات هر رویداد با همکاری مدیران ادارات و مراکز تخصصی معاونت و با مشورت فرهنگیان ویژه، تدوین و فراخوان چهارمین دوره به شکلی روزآمد و هدایت‌گرانه منتشر شده است. این نسخه، هم پاسخگوی پرسش‌های شرکت‌کنندگان است، هم نقشه راه تولید آثار فاخر بر اساس سیاست‌های سند تحول نمایندگی ولی فقیه در سپاه را ارائه می‌دهد.

سؤال: درباره ۶ رویداد اصلی گفتید. آیا می‌توانید کمی بیشتر درباره شیوه هدایت و مدیریت آن‌ها توضیح دهید؟



مصاحبه با سرگرد محمود هداوند میرزایی؛ دبیر جشنواره فرهنگی هنری سپاه

در آستانه برگزاری کنگره فرهنگ و هنر سپاه، فرصت را مغتنم شمردیم تا با دبیر جشنواره فرهنگی هنری سپاه سرگرد پاسدار محمود هداوند میرزایی، گفت‌وگویی داشته باشیم که حاصل آن به استحضار خوانندگان محترم می‌رسد:

لطفاً ابتدا بخش مربوط به دبیری جشنواره را معرفی بفرمایید.

معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه باهدف توانمندسازی و به کارگیری پاسداران هنرمند و ساماندهی این ظرفیت، اقدام به برگزاری جشنواره فرهنگی هنری در چهارمین کنگره فرهنگی هنری سپاه کرده است. در بخش دبیری این جشنواره، افتخار خدمتگزاری به عزیزان فرهنگیار هنرمند را داریم.

هدف اصلی این حوزه در کنگره چیست؟

هدف ما تقویت و استحکام بخشی هنر انقلابی و نقش آفرینی فرهنگیاران هنرمند سپاه در تبلیغ و ترویج اندیشه‌ها، ارزش‌ها و اصول انقلابی و اسلامی است.

اهمیت و ضرورت این بخش در کنگره را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

رواج اندیشه، ارزش‌ها، نمادها و سبک زندگی اسلامی و هوشمندانه شدن رفتار فرهنگی و اجتماعی با زبان هنر همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بوده است. با توجه به ظرفیت عظیم فرهنگیاران هنرمند در بخش‌های مختلف هنری، وجود این برنامه در کنگره فرهنگ و هنر سپاه از اهمیت بالایی برخوردار است.

رشته‌های هنری کنگره چهارم شامل چه مواردی هستند؟

رشته‌ها در سه بخش اصلی تقسیم شده‌اند:

- هنرهای تجسمی: کاریکاتور، پوستر، عکاسی، خوشنویسی، تایوگرافی و کالی‌گرافی، نقاشی و نقاشی دیجیتال
- هنرهای نمایشی: کلیپ و نماهنگ، پادکست (کلیپ صوتی)، فیلم کوتاه، موشن گرافیک، پویانمایی، اجرای نمایشی تک‌نفره
- هنرهای آوایی: تک‌خوانی سرود، جمع‌خوانی سرود، همخوانی قرآن و تواشیح

مهم‌ترین دستاوردهای بخش شما تاکنون چه بوده‌اند؟

شناسایی بیش از ۸۰۰۰ فرهنگیار هنرمند که هر کدام می‌توانند بخش‌هایی از عملکردهای سپاه را در حوزه‌های مختلف با زبان زیبای هنر به نمایش بگذارند. همچنین موفق شده‌ایم بخش فرهنگی هنری سپاه را به ظهور و روزآمدی برسانیم.

در هر یک از پانزده رشته، بیش از ۱۰۰ نفر شرکت کننده داشته‌ایم و هر سال شاهد رشد کمی و کیفی نسبت به دوره‌های قبل هستیم.

چه چالش‌هایی در خلق آثار هنری متناسب با ارزش‌های فرهنگی سپاه وجود دارد؟

برخی محدودیت‌های سازمانی و کمبود پشتیبانی عمومی از هنرمندان و گروه‌های هنری، مانعی برای خلق آثار فاخر شده‌اند که با حمایت فرماندهان قابل‌رفع هستند.

برنامه شما برای پیوند میان هنر و زندگی کارکنان چیست؟

هنر زمانی معنا می‌یابد که با نیازها، دغدغه‌ها و هویت مردم گره بخورد. این پیوند از طریق تولید آثار الهام گرفته از واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگ بومی و زبان روز ممکن می‌شود.

آیا آثار تولیدشده در این بخش قابلیت گسترش در سطح جامعه را دارند؟

بله بسیاری از این آثار در فضای مجازی، رسانه ملی و نمایشگاه‌های مختلف به نمایش درآمده‌اند.

نقش هنر در امیدآفرینی و مقابله با جنگ نرم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هنر با قدرت القای احساس و روایتگری، می‌تواند روحیه امید را در جامعه تقویت کند و با تبیین هوشمندانه واقعیت‌ها، نقش مؤثری در مقابله با جنگ نرم و تحریف‌ها ایفا کند.

شناسایی بیش از ۸۰۰۰ فرهنگیار هنرمند که هر کدام می‌توانند بخش‌هایی از عملکردهای سپاه را در حوزه‌های مختلف با زبان زیبای هنر به نمایش بگذارند.

برای افزایش مشارکت فرهنگیاران نسبت به دوره‌های قبل چه برنامه‌ای دارید؟

اجرای گروه‌های هنری قوی در مراسم اختتامیه و برگزاری نمایشگاه آثار ارسالی به دبیرخانه جشنواره از جمله برنامه‌های ماست.

چه چالش‌هایی در مسیر فعالیت‌های شما وجود دارد و چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟

مهم‌ترین چالش، کم‌توجهی برخی فرماندهان و مسئولین در استان‌ها و رده‌هاست که موجب کاهش انگیزه هنرمندان برای مشارکت می‌شود. اگر فرماندهان محترم با نگاهی ویژه به اهمیت زبان هنر توجه کنند، ان‌شاءالله امسال شاهد استقبال بیشتری در سیزدهمین دوره جشنواره خواهیم بود.

چشم‌انداز آینده این بخش را چگونه می‌بینید؟

همان‌طور که در حوزه‌های نظامی با قدرت عمل کرده‌ایم، باید در فرهنگ و هنر نیز با همان جدیت پیش برویم. امیدواریم با برگزاری باشکوه‌تر جشنواره در سال‌های آینده، این بخش از رسالت سپاه را نیز به منصفه ظهور برسانیم.

در میان رشته‌های هنری، کدام‌ها بیشترین توجه را در دوره‌های مختلف داشته‌اند؟

خوشنویسی، انیمیشن، سرود و تواشیح بیشترین استقبال را داشته‌اند.

چگونه می‌توان هنر را در خدمت جهاد تبیین و روایت درست از فرهنگ انقلاب قرارداد؟

هنر با زبان اثرگذار و عاطفی خود، می‌تواند مفاهیم عمیق انقلاب را به صورت خلاصانه و جذاب به نسل‌های مختلف منتقل کند و در مسیر جهاد تبیین، روایتگر صادق و الهام‌بخش فرهنگ و آرمان‌های انقلاب باشد.

میزان مشارکت هنرمندان فرهنگیار در دوره‌های گذشته چگونه بوده است؟





گفت‌وگو با مسئول اداره فرهنگی هنری معاونت فرهنگی و تبلیغات از شعر و نویسندگی تا جریان سازی فرهنگی در مقابله با جنگ نرم

چهاردهمین دوره این کنگره نیز در امتداد همین مسیر برگزار می‌شود و امسال با یاری خداوند میزبان شاعران فرهنگیار و آثار ارزشمند آنان هستیم. این کنگره بستری برای شناسایی شاعران جوان، تبادل تجربیات، و ارتقای سطح کیفی شعر انقلاب و دفاع مقدس فراهم کرده است. **آیا همایش فرهنگیاران نویسنده نخستین اقدام سپاه در حوزه نویسندگی محسوب می‌شود؟**

خیر، برگزاری این همایش به معنای نخستین اقدام سپاه در حوزه نویسندگی نیست. سپاه تاکنون حدود ۱۴ همایش انتخاب کتاب و پاسداران اهل قلم برگزار کرده است. در این همایش‌ها، چند هزار نویسنده سپاه در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، امنیتی، اجتماعی، پزشکی، اقتصادی و دیگر حوزه‌ها شناسایی شده‌اند و آثار برتر آنان مورد داوری، ارزیابی و تجلیل قرار گرفته‌اند. اما تفاوت این همایش در آن است که با رویکرد ایجاد یک‌روند جاری و پایدار برای آثار نویسندگان در حوزه مقاله و یادداشت برگزار شده و به‌عنوان نخستین همایش رسمی، ثابت و مستمر در این حوزه شناخته می‌شود.

چه کسانی مسئولیت اجرایی این برنامه‌ها را بر عهده دارند؟

برای اجرای هرچه بهتر این دو برنامه، دبیرخانه‌های تخصصی تشکیل شده‌اند. برادران مهدی مقدم و محمدرضا آقابابایی مسئولیت اقدامات اولیه و هماهنگی‌های اجرایی را بر عهده دارند و این فعالیت‌ها در تعامل با دبیرخانه اصلی کنگره فرهنگ و هنر انجام می‌شود.

اهمیت و ضرورت برگزاری کنگره شعر و همایش نویسندگان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شعر و نویسندگی از ابزارهای مؤثر در جریان‌سازی فرهنگی، تبلیغ و ترویج ارزش‌های اسلامی، انقلابی و ملی هستند. کنگره شعر سپاه و همایش نویسندگان باهدف شناسایی استعدادهای جدید، ایجاد فضای رقابتی

در حاشیه کنگره فرهنگ و هنر سپاه، فرصتی فراهم شد تا با مسئول اداره فرهنگی هنری معاونت فرهنگی و تبلیغات که متولی امور شعر، کتاب و تولید محتواست گفت‌وگویی داشته باشیم. ایشان با نگاهی جامع به فعالیت‌های فرهنگیاران، از نقش‌آفرینی این مجموعه در ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی سخن گفتند و به تشریح برنامه‌ها، اهداف و چشم‌اندازهای پیشرو پرداختند.

لطفاً خودتان را معرفی کرده و درباره حوزه مسئولیتتان توضیح دهید.

اینجانب حسن شریعتی هستم و در این اداره مسئولیت راهبری موضوعات مرتبط با کتاب، شامل تبلیغ و ترویج کتاب‌خوانی، شعر، تولید محتوا و همچنین فعالیت‌های مربوط به نویسندگان و سخنرانان را بر عهده دارم. این فعالیت‌ها در قالب برنامه‌های فرهنگیاران سپاه، به‌صورت هدفمند و منسجم پیگیری می‌شود. هدف اصلی ما ارتقای سطح فرهنگی سپاه و جامعه از طریق ظرفیت‌های انسانی متعهد و خلاق در حوزه فرهنگ و هنر است.

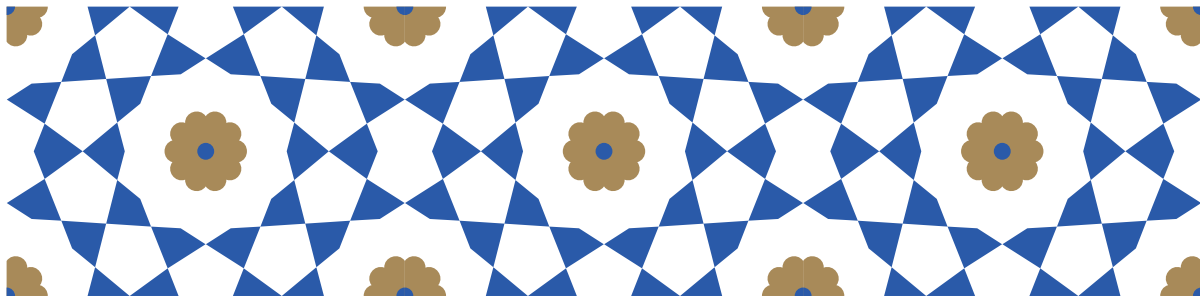
اداره شما چه نقشی در کنگره فرهنگ و هنر سپاه ایفا کرده است؟

در کنگره فرهنگ و هنر سپاه، اداره ما در دو بخش اصلی ایفای نقش کرده است:

نخست، برگزاری چهاردهمین کنگره شعر فرهنگیاران سپاه که ادامه مسیر ۱۳ دوره گذشته است. دوم، برگزاری نخستین همایش فرهنگیاران نویسنده که با رویکردی جدید و پایدار طراحی شده است.

درباره کنگره شعر فرهنگیاران بیشتر توضیح دهید.

کنگره شعر فرهنگیاران سپاه، یکی از برنامه‌های شاخص فرهنگی سپاه است که از سال ۱۳۹۰ به‌صورت منظم و برنامه‌ریزی‌شده برگزار می‌شود. البته فعالیت‌های ادبی سپاه از زمان تشکیل آن آغاز شده اما از سال ۱۳۹۰ این فعالیت‌ها در قالب کنگره‌های شعر فرهنگیاران به‌صورت مدون و ساختاریافته ادامه یافته‌اند.



- همکاری و هم‌افزایی با شاعران کشوری برای ایجاد شبکه‌ای متعهد، مردمی و مدافع ارزش‌ها
- شناسایی، توانمندسازی و به‌کارگیری بیش از ۱۷۰۰ شاعر متعهد در حوزه‌های مختلف
- ایجاد فضای تحول روحی از طریق اعزام شاعران به مناطق عملیاتی دفاع مقدس، بازدید از مناطق راهیان نور، مکان‌های زیارتی، علمی، صنعتی، فرهنگی، سیاسی و نظامی
- تولید آثار فاخر برگرفته از اشعار شاعران در قالب فیلم کوتاه، سرود، نماهنگ و انتشار آن‌ها در جامعه

آثار نویسندگان فرهنگیار چه تأثیری در ادبیات کشور دارند؟

در معاونت فرهنگی و تبلیغات سپاه، تلاش شده است تا با ایجاد شبکه‌ای منسجم از فرهنگیاران، به‌ویژه در فضای مجازی، زمینه‌ای برای تعامل، تبادل تجربه و انتشار آثار فراهم گردد. این شبکه از طریق کانال‌های «آینه جان» و «ناردونه» و همچنین سایت رسمی فرهنگیاران فعال است و بستری برای معرفی، نقد و ترویج آثار نویسندگان فراهم کرده است. از سوی دیگر، با شناسایی نویسندگان توانمند در میان فرهنگیاران، تولید محتواهای مورد نیاز معاونت به آنان سپرده شده است. این کار سپاری‌ها در حوزه مقاله، یادداشت، تحلیل‌های فرهنگی و اجتماعی، و حتی تولید متون تبلیغاتی و آموزشی انجام می‌شود. همچنین، ایجاد گروه «فرهنگیاران نویسنده» به‌عنوان یک ساختار رسمی و پایدار، زمینه‌ای برای انسجام‌بخشی به فعالیت‌های نویسندگان فراهم کرده است. در مجموع، آثار نویسندگان فرهنگیار می‌توانند باتکیه‌بر مفاهیم ارزشی، نگاه تحلیلی و زبان مؤثر، در تقویت ادبیات متعهد و انقلابی کشور نقش‌آفرینی کنند.

کنگره شعر فرهنگیاران سپاه، یکی از برنامه‌های شاخص فرهنگی سپاه است که از سال ۱۳۹۰ به‌صورت منظم و برنامه‌ریزی‌شده برگزار می‌شود. البته فعالیت‌های ادبی سپاه از زمان تشکیل آن آغاز شده اما از سال ۱۳۹۰ این فعالیت‌ها در قالب کنگره‌های شعر فرهنگیاران به‌صورت مدون و ساختاریافته ادامه یافته‌اند.

سالم، فراهم‌سازی بستر رشد و تعالی فعالان فرهنگی، و انسجام‌بخشی به جامعه فرهنگیاران برگزار می‌شوند.

چه برنامه‌ای برای حضور فعال‌تر فرهنگیاران در این عرصه‌ها نسبت به سال‌های گذشته دارید؟

در سال ۱۴۰۴، تقویت انجمن‌های شعر به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی در دستور کار قرار گرفته است. این تقویت هم در بودجه این انجمن‌ها و هم در ابلاغیات و کارخواسته‌های معاونت فرهنگی سپاه نمود بیشتری نسبت به سال گذشته داشته است.

در حوزه فضای مجازی نیز فعالیت رسمی گروه و کانال «مشق حماسه» با برنامه‌ریزی دقیق‌تری در حال انجام است. این کانال بستری برای انتشار اشعار، نقدهای ادبی، و تعامل میان شاعران فرهنگیار فراهم کرده است.

در بخش نویسندگی نیز راه‌اندازی گروه «فرهنگیاران نویسنده» از اقدامات ویژه محسوب می‌شود. این گروه با هدف بهره‌برداری از ظرفیت قلم نویسندگان در تولید محتوا، ایجاد تعاملات فکری، و پاسخ‌گویی به نیازهای محتوایی معاونت فرهنگی سپاه شکل گرفته است.

چشم‌انداز آینده فعالیت‌های فرهنگیاران را چگونه ترسیم می‌کنید؟

فرهنگیاران، به‌ویژه در حوزه شعر و نویسندگی، از پیشگامان عرصه فرهنگی و مبارزه با جنگ نرم دشمن هستند. با توجه به تهدیدات فرهنگی و رسانه‌ای دشمنان، نقش فرهنگیاران در تبیین ارزش‌ها، تقویت روحیه مقاومت، و ارتقای سطح فرهنگی جامعه بسیار حیاتی است.

سپاه چه نقشی در حمایت از شاعران برای تولید آثار فاخر ایفا کرده است؟

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حمایت مستمر از شاعران، توانسته است مفاهیم ارزشی چون ایثار، شهادت، مقاومت، بصیرت، ولایت‌مداری و عشق به وطن را در شعر معاصر تثبیت و ترویج کند. این حمایت‌ها در قالب برنامه‌های مختلف فرهنگی، آموزشی و حمایتی انجام شده‌اند. از جمله اقدامات کلان سپاه در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- هدایت و راهبری جریان شعر انقلاب و دفاع مقدس در طی سالیان گذشته



گفت‌وگو با مسئول دبیرخانه مرکزی چهارمین کنگره فرهنگ و هنر سپاه

از ساختار اجرایی تا شیوه‌های مشارکت
فرهنگیاران در بزرگ‌ترین رویداد هنری سپاه

در آستانه برگزاری چهارمین کنگره فرهنگ و هنر سپاه، گفت‌وگویی با خواهر سیحون، مسئول دبیرخانه مرکزی این کنگره ترتیب داده‌ایم تا ضمن آشنایی با ساختار اجرایی، شیوه‌های مشارکت و مخاطبان این رویداد، از جزئیات برنامه‌ها و اهداف آن نیز مطلع شویم.

جایگاه کنگره فرهنگ و هنر سپاه در برنامه‌های فرهنگی سپاه چیست و چرا دبیرخانه مرکزی تشکیل شده است؟

کنگره فرهنگ و هنر سپاه یکی از برنامه‌های با سابقه، تخصصی و ویژه برای شاغلین پاسدار اعم از خواهران و برادران و نیز سربازان وظیفه است. این برنامه با مشارکت معاونت‌های روابط عمومی و تبلیغات رده‌های مختلف سپاه برگزار می‌شود. باتوجه به گستردگی و تنوع موضوعات کنگره در این دوره، و اقتضائات اجرایی و مدیریتی آن، تصمیم گرفته شد که دبیرخانه‌ای مرکزی برای هماهنگی و انسجام‌بخشی به امور تشکیل شود.

مسئولیت این دبیرخانه با بنده است و با همکاری سه خواهر بزرگوار دیگر، این مسئولیت را به انجام می‌رسانیم: خواهر جابری مسئول جمع‌آوری آثار جشنواره فرهنگی هنری، خواهر یارمحمدی مسئول جمع‌آوری آثار کنگره فرهنگیاران شاعر و همایش نویسندگان، و خواهر نوروزی مسئول جمع‌آوری آثار همایش مبین و همایش فرهنگیاران فعال در فضای مجازی.

نحوه مشارکت مخاطبان و ارسال آثار به دبیرخانه چگونه طراحی شده است؟

برای تسهیل مشارکت و دسترسی بهتر مخاطبان، دو شیوه ارسال آثار در نظر گرفته شده است:

۱. روش مجازی: ارسال آثار از طریق پیام‌رسان‌های

سروش، ایتا و روبیکا به کانال رسمی «آئینه جان»

۲. روش حضوری: تحویل آثار به معاونت

روابط عمومی و تبلیغات رده مربوطه

در روش اول، شرکت‌کنندگان وارد یکی از پیام‌رسان‌های مذکور شده و پس از ورود به کانال آئینه جان، با کلیک بر بخش مشخصات کانال، آی‌دی مسئول مربوط به رویداد موردنظر خود را انتخاب کرده و از طریق پیام مستقیم، اثر خود را ارسال می‌کنند. در روش دوم نیز افراد می‌توانند

به صورت حضوری یا تلفنی با معاونت روابط عمومی و تبلیغات رده خود تماس گرفته و آثارشان را تحویل دهند.

چرا کانال آئینه جان به عنوان درگاه رسمی مجازی انتخاب شده است؟

معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه دارای دو کانال مرجع در سه پیام‌رسان سروش، ایتا و روبیکا با نام‌های «ناردونه» و «آئینه جان» و همچنین یک سایت رسمی به نام «فرهنگیاران» است. این کانال‌ها به عنوان مراکز انتشار محتواهای فرهنگی، در ارتباط با گروه‌ها و کانال‌های زیرمجموعه در رده‌های مختلف فعالیت می‌کنند.

کانال آئینه جان به دلیل برخورداری از «تیک آبی» و اعتبار رسمی در پیام‌رسان‌ها، به عنوان تنها کانال رسمی نمایندگی ولی فقیه در سپاه شناخته می‌شود. این مرجعیت موجب شد تا برای دریافت آثار و اطلاع‌رسانی دقیق، این کانال به عنوان درگاه اصلی انتخاب شود.

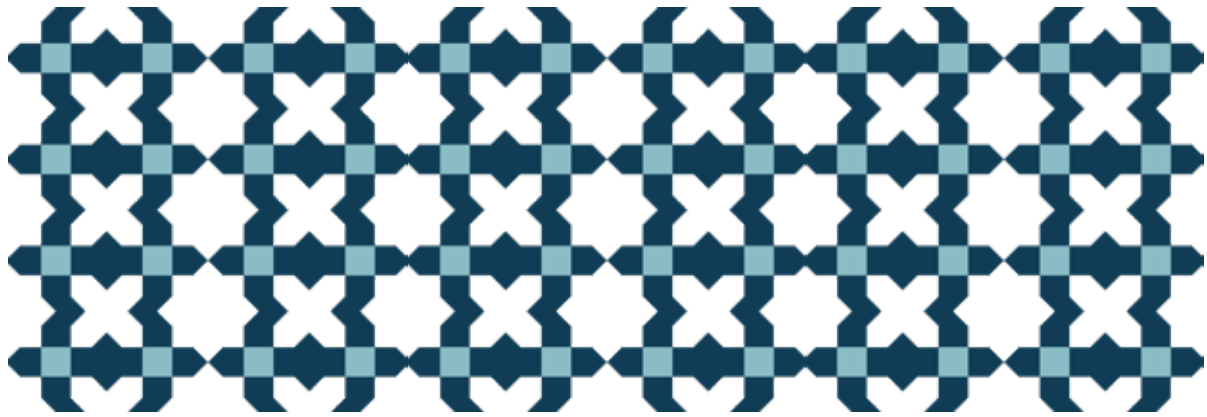
چه برنامه‌هایی در دبیرخانه مرکزی برای ساماندهی آثار و ارتباط با مخاطبان در نظر گرفته اید؟

در بخش مشخصات کانال آئینه جان، آی‌دی ادمین‌های هر رویداد تعریف شده است. مخاطبان می‌توانند با کلیک بر روی این آدرس‌ها، از راهنمایی‌های اجرایی مربوط به هر بخش بهره‌مند شوند و آثار خود را ارسال کنند. پس از ارسال، ادمین مربوطه اثر را در سامانه ثبت کرده و کدپذیرش اولیه را برای شرکت‌کننده ارسال می‌کند.

مخاطبان این کنگره چه کسانی هستند؟

رشته‌های مختلف این پنج رویداد، با فعالیت‌های ادبی، فرهنگی و تبلیغی پاسداران، به‌ویژه فرهنگیاران فعال، ارتباط مستقیم دارند. رشته‌هایی مانند پوستر، نماهنگ، هوش مصنوعی، مقاله، شعر و... از جمله موضوعاتی هستند که همکاران پاسدار در آن‌ها صاحب آثار فاخر و ارزشمند هستند.

بنابراین، دایره مخاطبان این کنگره شامل پاسداران از تمامی عضویت‌ها و سربازان وظیفه می‌شود.



رویدادهای چهارمین کنگره فرهنگ و هنر سپاه را به صورت خلاصه معرفی بفرمایید.

این کنگره شامل پنج رویداد اصلی است:

۱. جشنواره فرهنگی هنری سپاه
۲. همایش فرهنگیان فعال در فضای مجازی
۳. همایش فرهنگیان نویسنده
۴. کنگره شعر فرهنگیان
۵. همایش مبین ویژه خواهران شاغل

هر یک از این رویدادها دارای زیرشاخه‌های تخصصی هستند. برای نمونه، همایش فضای مجازی شامل دو عرصه «هوش مصنوعی» و «عملیات شناختی» است. در بخش هوش مصنوعی، تولید محتوای متنی، تصویری، نمایشی و آوایی مدنظر قرار دارد. در بخش عملیات شناختی نیز طراحی عملیات، تحلیل محتوای شبکه‌های معاند و برآورد جریان‌های شناختی دشمن بررسی می‌شود.

همایش نویسندگان نیز شامل دو بخش مقالات تخصصی و یادداشت‌های تخصصی است. کنگره شعر نیز با محورهای مشخص، پذیرای آثار شاعران فرهنگیار خواهد بود.

همایش مبین ویژه خواهران شاغل نیز در دو عرصه «ایده‌پردازی اقدامات تبیینی» و «میدان‌های جهاد تبیین» برگزار می‌شود. موضوعاتی مانند ایده‌پردازی قرآنی، تبلیغی، هنری، رسانه‌ای، آموزشی و تعامل اجتماعی در بخش اول و محورهایی چون جهاد فرهنگی، خدمت‌رسانی، بصیرت‌افزایی، امیدآفرینی، تربیت نسل مهدوی و ترویج عفاف و حجاب در بخش دوم تعریف شده‌اند.

آیا خواهران شاغل فقط در جشنواره مبین می‌توانند شرکت کنند یا در سایر بخش‌ها نیز مجاز هستند؟

بله خواهران شاغل سپاه می‌توانند در تمامی رویدادهای کنگره شرکت فعال داشته باشند. معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه با شناخت کامل از ظرفیت‌های فرهنگی خواهران، برای آنان بخش ویژه‌ای تعریف کرده است. جشنواره مبین به عنوان بخش عالی و ایده‌پرداز کنگره شناخته می‌شود، اما خواهران شاغل در سایر عرصه‌ها نیز مجاز به ارسال آثار و مشارکت هستند.

در پایان، نحوه اطلاع‌رسانی دبیرخانه مرکزی را برای مخاطبان شرح دهید.

مخاطبان گرامی می‌توانند جزئیات مربوط به هر رویداد را از طریق وبسایت رسمی فرهنگیان به نشانی www.farhang-yaran.com و همچنین کانال آئینه جان در پیام‌رسان‌های سروش، ایتا و رویکا دریافت کنند. آدرس‌های این کانال‌ها به شرح زیر است:

splus.ir/aeenejan-eitta.com/aeenejan-rubika.ir/aeenejan

همچنین برای دریافت راهنمایی‌های بیشتر، مخاطبان می‌توانند با شماره‌های دبیرخانه مرکزی تماس حاصل فرمایند:

• ۰۲۱۳۵۲۳۳۷۶۴

• ۰۲۱۳۵۲۳۳۷۶۱

سخن پایانی شما برای مخاطبان ماهنامه «فرهنگ پاسداری» چیست؟

در پایان لازم می‌دانم از همه همکاران فرهنگیار، شاعران، نویسندگان، هنرمندان و فعالان فضای مجازی که با انگیزه و تعهد در مسیر ترویج فرهنگ اسلامی-انقلابی گام برمی‌دارند، قدردانی کنم. چهارمین کنگره فرهنگ و هنر سپاه، فرصتی ارزشمند برای نمایش ظرفیت‌های فرهنگی پاسداران عزیز است؛ ظرفیتی که در قالب شعر، مقاله، تصویر، صوت، ایده‌پردازی و تحلیل‌های شناختی می‌تواند نقش مؤثری در مقابله با جنگ نرم دشمن ایفا کند.

امیدوارم با مشارکت گسترده و پرشور فرهنگیاران، شاهد برگزاری کنگره‌ای باشیم که نه تنها در سطح سپاه، بلکه در سطح ملی و حتی فراملی، الگویی از فعالیت فرهنگی متعهد و هوشمندانه را ارائه دهد.

از ماهنامه وزین «فرهنگ پاسداری» نیز بابت فراهم‌سازی این فرصت برای گفت‌وگو و اطلاع‌رسانی، صمیمانه تشکر می‌کنم.

کنگره فرهنگ و هنر سپاه یکی از برنامه‌های با سابقه، تخصصی و ویژه برای شاغلین پاسدار اعم از خواهران و برادران و نیز سربازان وظیفه است. این برنامه با مشارکت معاونت‌های روابط عمومی و تبلیغات رده‌های مختلف سپاه برگزار می‌شود



گفت‌وگو با سرهنگ پاسدار عباسعلی انصاریان روایت یک عمر پاسداری از انقلاب و میهن اسلامی

در این شماره از مجله، پای صحبت‌های یکی از چهره‌های خدوم و باتجربه نیروهای مسلح نشستیم؛ کسی که ۳۸ سال از عمر خود را وقف خدمت به انقلاب، مردم کرده است. سرهنگ عباسعلی انصاریان، متولد سال ۱۳۴۲ در روستای سقرجوق از توابع شهرستان آشتیان در استان مرکزی، با درجه سرهنگی و رتبه ۲۱ پس از ۳۸ سال خدمت، بازنشسته شده است. او با نگاهی صمیمی و بی‌پیرایه از خاطرات و تجربیاتش می‌گوید؛ از روزهای پرشور آغاز خدمت تا مأموریت‌های دشوار در مناطق جنگی غرب و جنوب کشور.

خاطره‌ای ماندگار از عملیات‌ها دارید؟

در عملیات مهران، فرمانده نیروها را به سه دسته تقسیم کرده بود. تقی نشاطی، بسیجی غیرتمند، در دسته دوم قرار گرفت؛ اما اصرار داشت در شب اول عملیات شرکت کند. وقتی فرمانده مخالفت کرد، گفت: «اگر نگذارید در شب اول باشم، شکایتان را به مادرتان حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها می‌کنم!» فرمانده که سید بود، با شنیدن این جمله لبخند زد و موافقت کرد. تقی مردانه جنگید و با ترکش خمپاره زخمی شد. با شکم پاره‌شده گفت پتو را محکم ببندیم تا بدنش آبرومند بماند. لحظاتی بعد شهید شد. مادرش در مراسم تشییع گفت: «این فرزند امانت خدا بود، درست تحویلش دادم.» این سخنرانی چنان تأثیری داشت که یکی از سربازان همراه، پس از پایان خدمت، سه ماه دیگر داوطلبانه در جبهه ماند.

خاطراتی شیرین از روزهای نخست خدمت دارید؟

در خدمت برادر رفیق‌دوست بودیم. کسی برای دریافت مهمات آمد. ایشان روی یک تکه کاغذ، شاید پاکت سیگار، دستور نوشت و طرف رفت و مهمات را گرفت! حقوق هم به شیوه‌ای خاص پرداخت می‌شد. بسته‌ای پول در روی میزی قرار می‌گرفت و هر کس بنا به نیازش برمی‌داشت. مجردها گاهی هزار تومان، متأهل‌ها تا سه هزار تومان. برخی حتی دست نمی‌زدند.

در این شماره از مجله، پای صحبت‌های یکی از چهره‌های خدوم و باتجربه نیروهای مسلح نشستیم؛ کسی که ۳۸ سال از عمر خود را وقف خدمت به انقلاب، مردم کرده است. سرهنگ عباسعلی انصاریان، متولد سال ۱۳۴۲ در روستای سقرجوق از توابع شهرستان آشتیان در استان مرکزی، با درجه سرهنگی و رتبه ۲۱ پس از ۳۸ سال خدمت، بازنشسته شده است. او با نگاهی صمیمی و بی‌پیرایه از خاطرات و تجربیاتش می‌گوید؛ از روزهای پرشور آغاز خدمت تا مأموریت‌های دشوار در مناطق جنگی غرب و جنوب کشور.

چگونه وارد نیروهای مسلح شدید؟

در کودکی و جوانی هیچ علاقه‌ای به نظامی‌گری نداشتم و تصور نمی‌کردم روزی وارد چنین مسیری شوم. اما با وقوع انقلاب اسلامی و تجاوز رژیم بعث عراق به خاک میهن اسلامی، حس مسئولیت و عشق به وطن در من بیدار شد. سپاه را نه صرفاً یک سازمانی نظامی، بلکه نهاد مردمی و ارزشی می‌دیدم. همین نگاه باعث شد از طریق گزینش آبردار جذب سپاه شوم و افتخار پوشیدن لباس پاسداری را پیدا کنم.

مسیر خدمتی شما چگونه بود؟

در طول ۳۸ سال خدمت، در بخش‌های مختلفی از سپاه فعالیت داشتم؛ از لجستیک کل سپاه تا نیروی زمینی و ستاد کل. ده سال در حوزه فرماندهی بودم و باقی در حوزه نمایندگی. در مناطق جنگی غرب کشور، از کرمانشاه تا سنندج، جوانرود و پاوه حضور داشتم. همچنین در منطقه جنوب کشور مأموریت‌هایی را انجام دادم.

در چه عملیات‌هایی حضور داشتید؟ نقش شما چه بود؟

صمیمیت می جوشید، در وجود نیروها موج می زد.

در کجاها عجله کردید و آیا جایی تعلل داشتید؟

به طور طبیعی فردی عجول بودم و گاهی این عجله باعث فشار به زیردستان و کاهش کیفیت کار می شد. اگر به گذشته بازگردم، کمتر عجله می کنم؛ اما تعلل در هیچ کاری نداشتم.

به افسران و درجه داران جوان امروز چه توصیه ای دارید؟

عمر خدمت زودتر از آنچه فکر می کنید به پایان می رسد. طوری کار کنید که در برابر خدا و مردم سرافراز باشید. به مسائل معنوی توجه کنید در مشکلات به خدا توکل کنید؛ او دستتان را خواهد گرفت.

به نظر شما مهم ترین تهدیدی که نسل جدید نیروهای مسلح با آن مواجه اند چیست؟ راه حل چیست؟

درگیری زیاد با فضای مجازی، تهدیدی جدی است. این فضا میدان رزم روانی دشمن است. در حد ضرورت درگیر شوید، دانش رسانه ای تان را بالا ببرید، شگردهای جنگ روانی دشمن را بشناسید و مقابله کنید.

اگر بخواهید یک پیام کوتاه برای جوانان نظامی کشور بفرستید، آن پیام چیست؟

گوشتان به فرمان ولی امر مسلمین، فرمانده معظم کل قوا باشد، با قرآن انس بگیرید و نماز اول وقت را از دست ندهید.

در طول ۳۸ سال خدمت، در بخش های مختلفی از سپاه فعالیت داشتم؛ از لجستیک کل سپاه تا نیروی زمینی و ستاد کل. ده سال در حوزه فرماندهی بودم و باقی در حوزه نمایندگی. در مناطق جنگی غرب کشور، از کرمانشاه تا سنندج، جوار رود و پاوه حضور داشتم. همچنین در منطقه جنوب کشور مأموریت هایی را انجام دادم.



خاطره ای از شهید حمید جلالی دارید؟

ایشان شبانه با امکانات لجستیکی به سمت جبهه حرکت کرد، باوجود هشدارها درباره خطر کمین کومله و دموکرات. گفت: «باید بروم، منطقه نیاز دارد.» در مسیر، ناجوانمردانه توسط کومله به شهادت رسید و مثله شد.

تجربه ای خاص از ابتکار در میدان نبرد دارید؟

سربازی به نام کسائی مقدم با تحصیلات ریاضی، دقتی بی نظیر در شلیک خمپاره داشت. با ابتکار در گراندی ها، خطای خمپاره ۱۲۰ را از ده متر به دو متر رساند. ارتشی ها متعجب شدند و خواستند او را جذب ارتش کنند، اما او سپاه را ترجیح داد.

از این مأموریت ها چه درسی گرفتید؟

در آن روزها، بسیجی و سپاهی وقت نمی شناختند. شب و روز کار می کردند. خدمت بی منت بود. فهمیدم که برای موفقیت، ایثار و از خود گذشتگی ضروری است.

تصمیمی کلیدی در مسیر خدمت داشتید؟

در روابط کاری و شخصی، با افراد صادق، پرتلاش و پرکار همراه شدم. از کسانی که این ویژگی ها را نداشتند، فاصله گرفتم.

اشتباهی که بعدها به تجربه ای ارزشمند بدل شد؟

در آغاز، فردی عجول بودم. گاهی این عجله به کیفیت کار آسیب می زد. با تذکر اطرافیان، متوجه شدم و رفتارم را اصلاح کردم.

از دوستی ها و هم زمینی های ماندگار بگویید.

دوستان زیادی دارم که دوستی شان برایم ماندگار است؛ از جمله سردار محبی، سرهنگ فرامرزی، حاج آقا تویسرکانی حاج آقا رضایی، سردار قریشی. این افراد با رفتاری صادقانه، کار سخت، برنامه ریز، جدیت در کار و پیگیر مستمر الگوی من بودند.

ارزش هایی مثل صداقت، شجاعت، فداکاری و اطاعت پذیری در واحد شما چگونه جاری بود؟

در زمان جنگ، این ارزش ها در جان رزمندگان نهادینه شده بود. با این ارزش ها زندگی می کردیم و محبت ناشی از فداکاری در وجود نیروها موج می زد، فرماندهان خود دارای این ارزش بودند.

رابطه تان با فرماندهان و زیردستان چگونه بود؟

همواره رابطه ای صمیمی و محترمانه با همه داشتم؛ چه فرماندهان، چه زیردستان. دستورات را با دقت اجرا می کردم و اگر نظری داشتم، محترمانه مطرح می کردم. اگر پذیرفته نمی شد، نظر فرمانده برایم اولویت داشت. به سلسله مراتب احترام می گذاشتم. با زیردستان هم رابطه ای دوستانه داشتم، نه صرفاً نظامی و خشک.

ارزش هایی مثل صداقت، شجاعت، فداکاری و اطاعت پذیری در واحد شما چگونه جاری بود؟

در زمان جنگ، این ارزش ها در جان رزمندگان نهادینه شده بود. با این ارزش ها زندگی می کردیم. محبتی که از دل فداکاری و

کارمندانی چنین انتخاب کن!

یا مالک توخ منهم أهل التجربة و الحياء، من أهل البيوتات الصالحة و القدم فی الاسلام المتقدمة، فأنهم أكرم اخلاقا، و أصح أعراضا، و أقل فی المطامع اشراقا، و أغلب فی عواقب الامور نظرا. ای مالک! کارمندانی را که اهل تجربه و شرم و حیا و از خانواده های صالح که در اسلام پیش گام ترند انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنها کریم تر و خانواده شان پاک تر و کم طمع تر و در سنجش عواقب امور بینا ترند.

منبع: نهج البلاغه، نامه ۵۳



حکومت و حکومت داری در نهج البلاغه

اسرار حکومت داری

من کتابه للاشتر: ثم انظر فی حال کُتابک، فوَلَّ علی أمورک خیرهم، و اخصص رسائلک الی تدخل فیها مکائدک و أسرارک بأجمعهم لوجوه صالح الاخلاق ممن لا تبطره الکرامة، فیجتری بها علیک فی خلاف لک بحضرة ملا، و لا تقصر به الغفلة عن ایراد مکاتبات عمالک علیک، و اصدار جواباتها علی الصوب عنک. امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر فرمودند: به وضع مأمورین خود رسیدگی کن و کارهای خود را به دست نیکان آنان بسپار! نامه هایی را که نقشه ها و اسرار را در بردارد به دست کسی بسپار که در فضایل اخلاقی از همه شایسته تر باشد. کسی باشد که احترام به وی او را مغرور نسازد و در مخالفت با تو در حضور دیگران گستاخ نگردد. کسی باشد که غفلت تو موجب نشود که گزارش فرمانداران و نمایندگان و نامه های آنان را به تو ندهد و جواب شایسته که مناسب توسل برای آنان صادر نکند.

عبرت از سرگذشت زمامداران

الواجب علیک أن تتذکر ما مضی لمن تقدمک من حکومت عادلة، أوسنة فاضلة، أو أثر عن نبینا صلی الله علیه و آله أو فريضة فی کتاب الله فتقتدی بما شاهدت مما عملنا به فیها، و تجتهد لنفسک فی اتباع ما عهدت الیک فی عهدهی هذا. بر تو واجب است که سرگذشت و رفتار زمامدارانی را که پیش از تو از این خاکدان گذشته اند به یاد بیاوری، زمامدارانی که حکومت دادگرانه گسترده و به سنت فاضله عمل نمودند و از آثار پیامبر صلی الله علیه و آله تبعیت نمودند و واجبات وارده در کتاب الهی را پیروی کردند، پس تبعیت کن از آن اعمالی که ما انجام دادیم و تو خود آن را مشاهده کردی و تلاش کن در پیروی از این عهدنامه که برای تو نوشتم.

سنت پیشوایان را نقض مکن!

لا تنقض سنة صالحه عمل بها صدور هذه الامة و اجتمعت بها الالفه، و صلحت علیها الرعية. هرگز سنت شایسته ای را که پیشوایان این امت به آن عمل کرده و ملت اسلام به آن انس و الفت گرفته و امور مردم بدان اصلاح گردیده است نقض مکن.

فتح قله

شعری از خلیلی از ساری

هفت آسمان به خاک تو می بالد منظومه را به خویش نگارین کن
هرآن نظاره کن به خلیج فارس خود را درون آینه تحسین کن
در فصل ناب دفتر تاریخ دور از خطوط ممتد تاریکی
این وعده های روشن و صادق را یک برگ جاودانه و زرین کن
گردوغبار فتنه نخواهد رفت پیچ هزار حادثه در پیش است
مابین حق و کفر جهادت را سرشار از فريضة ی تبیین کن
تا فتح قله راه کمی باقی ست تأویل تو درون احادیث است
در بوستان علم شکوفا شو این بار عزم خوشه پروین کن
جریان خون شیعه به رگ های... از کربلا مسیر تو خواهد رفت
با یا علی بکن در خیبر را قصد نجات قلب فلسطین کن
دیگر بس است هرچه ورق خوردیم در هفته های مبهم و بی پایان
این جمعه کام تلخ جهان را با شهید عزیز فاطمه شیرین کن





حضرت زهرا عليها السلام حقیقت عظیم

حضرت آیت الله خامنه ای:

فاطمه‌ی زهرا عليها السلام به صورت، یک بشر و یک زن
آن هم زنی جوان است؛ اما در معنا، یک حقیقت
عظیم، یک نور درخشان الهی، یک بنده‌ی صالح
و یک انسان ممتاز و برگزیده است.

۱۳۶۸/۱۰/۲۶



روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، تسخیر
لانه جاسوسی و روز دانش آموز گرامی باد.